

از طرف حکومت آنجا بود دفاع نموده چیزی عایدشان نشده و بطرف میناب رفته غلتان و بخته بقریه حاجی آباد از توابع میناب و بعضی اسباب و اثاث الیت قارت نموده عزم (نی آب) که گمرک خانه میناب و در کنار دریا واقع است نموده اداره گمرک را متصرف و ظاهراً اسباب اداره گمرک و نقدینه اگر چیزی بوده بفارت برده اند و از مال اهالی و مسافری که در کنار دریا بوده نیز بعضی چیزها بفارت برده از آنجا مراجعت و قصد قریه مازغ و دهویه از توابع میناب می نمایند. بازم اهالی مدافعه کرده نتوانستند دست بردی کنند. چون ازین اطراف مایوس شدند مراجعت نموده قصد قارت قریه قاضی نمودند که در این چند ساله هرج مرجع اشرا را نتوانسته بودند دست بردی نمایند اهالی از در مدافعه در آمده فرمایشی نایب الحکومه و یک نفر از روسای تفنگچی با عده تفنگچی حکومت خود را بحد ایشان رسانیده جنگ سختی قیامین واقع. از طرف اهالی ۴ نفر زن و بچه مقتول و مجروح یک نفر از تفنگچی حکومت مقتول و یک نفر مجروح گردید. از طرف اشرا ظاهرآ عده مقتول و مجروح زیاد بوده. اما بطور یقین معلوم نشد چند نفر بوده اند. چون در آنجا هم صدمه دیدند لابد اشرا را فرار نموده مراجعت (سرخون) و روانه بطرف منزل خود گردیدند و آنچه منسوب شان بود بر آورده نشد و الحاق جناب شجاع نظام نایب الحکومه آنچه لازمه اقدام در دفاع و جلوگیری از اشرا بود بجا آورده دقیقه فرو گذار نفرمودند که عموم اهالی از اقدامات جناب معظم الیه ممنون و متشکر و در مدت حکومت خود قسمی حسن سلوک با اهالی نموده که همگی رضامند و دعا گو و بقایس از خود داوند خواهان - امیدوارم خدمات شان در نزد اولیای امور سمت قبول یافته به ترفیع مقام سرافراز گردند

تذکرات راجعه بعنای

بر حسب خبر یاریس ۳۵۰ نفر از اهالی کریت بجزیره (ساموس) وارد و بجناب (واتس)

که قشون عثمانی است حرکت و منظور است که سر بیا حمله به ترکان نمایند  
مخبر روتر خبر یافته است که افواه اتحاد دول بالکان به تصدیق نه پیوسته است. نمایندگان امارات بالکان مقیم لندن تصدیق دارند که کبدورت موجود و خیلی خوفناک بنظر میرسد و تا وقتیکه عثمانی مواعیدی را که در موضوع اصلاحات ممالک اروپائی خود داده انجام ندهد رفع رنجش نخواهد شد  
مخبر روتر از بلگرید خبر میدهد که بواسطه خوف جنگ سرویا و عثمانی تجارت یک دفعه بند شده. ازینرو بیقی از طرف تجار نزد رئیس الوزرای سرویا رفته پس از مخا بره رئیس الوزراء اطمینان داده است که حکومت را خیالات صاحب خواهان موجود و جهت ندارد که تجار را سبب برشانی گردد. رئیس الوزراء اظهار کرد که افوا هات عمومی را باید محل اعتنا قرار داد

مجلسی از فرقه سوشالیست در بلغاریا و سایر بدان بالکان منعقد گردیده مقصد شان این است که در بالکان یک جمهوری متحده تشکیل یابد که در آن نیز شامل باشد ممالک بالکان عثمانی

بابعلی منتوری اعلان نموده که در آن بیان شده که رعایت هائیکه به البانیها داده اند به رعایتی سایر صوبجات عثمانی هم داده خواهد شد که منجمله آن این است که اهالی هر صوبه قفسه در لشکری همان صوبه شامل خواهند گردید

وقتی اهالی جزیره کریت در جزیره (ساموس) وارد گردیدند که جہازات جنگی انگلیس و فرانس در آنجا حاضر نبودند. جماعتی که وارد (ساموس) شدند تحت امر یک از کشیشان موسوم (سوفوایس) بوده با قشون عثمانی هم جنگ کرده نتیجه غیر معلوم است. یک تالین قشون ترکی از برای کمک قشون ساخلوی ساموس فرستاده شده جہازات جنگی انگلیس و فرانس عودت نمودند

قشون ایتالی بعد از جنگ در ساعت مقامی را در زانور (ضرابلس) قبضه نمودند. از ایتالی دوبست نفر مقتول و مجروح گردیده است

جایگاه قشون ایتالی در جنگ (زانور) خیلی سخت و نامناسب بود. پس از شش ساعت جنگ تخفیف یافت و قشون در زمین ریک زار خود را پنهان نموده و بسیاری هم به بلنیک جنگی خود را مقاومت نمودند و این حرکت را وقتی کردند که از بلون خبر یافته که دسته زیادی از دشمن بطرف آنها پیشقدمی مینماید. قشون ذخیره ایتالی با منتهای سرعت پیشقدمی و با دشمن دست به یقه مقابله نمود و از این رو تویجیان هم مجبور گردیدند که به سر نیزه تفنگ اقدام بجنگ کنند و عاقبت کاملاً دشمن عقب نشست.

بعد از جنگ درنا که ۱۷ شمبر شده بود قشون ایتالی دفن ۱۱۲۳ اجساد دشمن را نموده اند بر حسب خبر ویانه با ایتالی کاملاً رد نموده است آخرین خواهش ایتالی را و تصحیه یافته است که جنگ برقرار ماند.

کابینه عثمانی تنازکی دستور العملی به کیسیووت صبح در (سوپرولند) فرستاده اند.

اعلانی از جانب شیخ الاسلام به علمای اسلامی صوبه ارامنه رسیده مبنی بر اینکه عداوتیکه بین مسلمان و ارامنه تواید شده رفع نمایند. و ظاهراً داشته که بر طبق شریعت مطهره اسلام محافظه سال و جان هر ملت اعم از مسلم و غیر مسلم واجب است و خواهش نموده که قوت دهند این نکته را که در آینده این گونه واقعات پیش نیاید.

به جہاز جنگی ایتالی وارد دریچه (سمرنا) شده پس از تلاشی جہازات عصر بازگشت نمودند مجدداً واقعاتی در بالکان پیش آمده مزید رنجش و نا اتفاقی شده است. چه عثمانی در (سلاویک و اسکوب) جلوگیری نموده است از اسلحه و قورخانه که برای سرویا فرستاده شده بود. دولت عثمانی می خواهد ایقان حاصل کنند قبل از آنکه قورخانه و اسلحه را رها نماید که سرویا در معاملات بالکان چه مسلکی اختیار خواهد نمود.

باید نیست که بر حسب خواهش یلغار دولت روس هم فشار مؤثرانه برای اصلاحات بالکان که با ایتالی در متصرفات وعده داده بنماید. این امر ظاهراً است که مقصود همان رعایت هائی است که دولت عثمانی با ایتالی داده است. وزارت عثمانی این

رعایت هارا بنابر مشوره چند نفر از سئرا و بموجب خطبکه مسیوسازانوف وزیر خارجه روس بوزیر مختار عثمانی مقیم بطرسبرگ نوشته نموده است. چنانچه معلوم می شود که وزیر خارجه روس ب سفیر عثمانی نوشته بود که اگر فوراً عثمانی با اصلاحات بالکان نه بردازد و دول سائره مجبوراً اقدامات لازمه را در آن مخصوص خواهند نمود و ولی اخبارات رسمی روس انکار مینمایند از استعمال این گونه الفاظ نسبت به ایتالی و وزرای عثمانی رعایت هائی زیاد در باره فرقه (مسیحی) نموده که خیلی زیاد است بر رعایت هائیکه در حق سائر البانی ها شده است.

امبراتور آستریا در نطق خود اظهار داشته که ما کما مسرت را داریم از این که بین عثمانی و البانی صلح گردید. و بیان فرمود که نتیجه مراسلات ما با دول این شد که تمام متفق گردیدند که آزادی بالکان همین قسم که هست بر قرار ماند و ازدیاد قوای بحری آستریا از این رو لازم آمده که بتواند حفاظت نماید اغراض و منافع تجارت خود را وزیر خارجه آستریا بیان نمود که از مخابرات صلحیه عثمانی و ایتالی مسرور است و چه همین که نزاع خارجی رفع گردید عثمانی بهتر مقتدر با تنظیمات داخلی خود تواند شد. از این که هیئت وزرا تماماً متنق بر مخابرات صلحیه شده به خوبی جلوگیری از مشکلات داخلی و حل مسئله را موقع حاصل آمده است. دولت روس منتهای خواهش را در بر قراری امنیت بالکان ظاهر میدارد. ولی سهو بزوی خواهد بود اگر تصور شود که یکدفعه مشاکل و مناقشات خوفناک بالکان خاتمه پذیرفته مدبرین سلطنت هائیکه همدوش عثمانی اند با مردمان که حیثیت طرف شدن شان بسی دشوار است. بطریق وثوق می تواند گشت که حکومت موجوده عثمانی در بهبودی و ترقی قشون منتهای جد و جهد را دارد. در آخر نطق خود وزیر خارجه موصوف اظهار داشت که بتوسط نگارشات آنتی بالکان و افروختن عاقلانه نیست و سیاستیون حاضر اند که این آنتی افروختن را خطوش سازند. منافع آستریا خیلی در معرض خطر است و تا وقتی قوای بحری و بحری وی کامل نگردد آسوده وآرام نتواند زیست.

روزنامهجات روس در خصوص وقتن مسیوسازانوف  
به لندن می نویسند که غرض اصلی تحصیل اتفاق  
دو تین در موضوع بالکان است - چه تصفیه مواد  
صلحیه باتفاق روس و انگلیس حاصل تواند گردید  
مخبر روتر از روم خبر میدهد که در جنگ  
خزور معلوم میشود که تمام دشمنان مجتمع شده  
بودند. قشون ایتالی با ده الی پانزده هزار نفر مقابله  
کردند. تلافی دشمنان ۲۰۰۰ تصور میشود

مخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که دولت  
عثمانی مصمم گردیده است که در (ادریانوپل) نمایش  
جنگی در اول اکتوبر بنماید - در حلقه سیاسیون  
از این اقدام عثمانی آثار تشویش نمایان است. چه  
محل این نمایش جنگی متصل بسرحمد بلغار میباشد  
و این امر موقع به بلغار خواهد داد در جمع نمودن  
قشون این و کاپنه بلغار که خیلی صلح پسند است  
مقامش خیلی خطرناک خواهد شد

نطق حسرت ناک (کونت وان برسنولد) بر  
موضوع بالکان و نیز نمایش عسکری عثمانی اوضاع  
بالکان را خیلی خطرناک جلوه میدهد - اگرچه  
در غالب پایتخت های دول ایشاق داده میشود که  
بواسطه سی و کوشش سیاسیون تبرات جنگ در  
بالکان شعله ور نخواهد گردید

بابالی امر نموده که اردوی چهارم در  
ادریانوپل مجتمع و از ولایات چهار گانه از قطار  
ردیفان درجه دوم تقویت داده شود در اسلامبول  
عنیت این اقدام را چنین میگویند که بلغار اظهار  
داشته که قشون عثمانی به مراتب است و نه منظم این اقدام  
عثمانی در دماغ خام طمعان ماده صاحب جوئی پیدا  
تواند کرد

آستریا به بابالی اظهار داشته که اگر رعایت های  
تازه را دولت عثمانی فوراً در حکومت بالکان خود  
مجری ندارد دول را مشکلات پیش خواهد آمد در  
جلوگیری اقدامات جنگی امارات بالکان

مخبر روتر خبر میدهد که قشون عثمانی بر  
جهاز یونان که حامل پوست بوده قریب جزیره  
(ساموس) شلیک نموده از این رو یونان سخت به  
بابالی اعتراض و طلب معذرت رسمی و سزای  
مرتکبین و خساره که بر جهاز و مسافرین وارد  
آمده نموده است

مخبر روتر از صوفیه خبر میدهد که دولت بلغار  
به بابالی شکایت برده که قشون سرحدی عثمانی به  
بلغاریان شلیک نموده اند

وکلا یی صلح عثمانی و ایتالی در (اوشی)  
بیان کرده اند که بهرچوچه مخابرات صلحیه دولتین  
مقطوع نگردیده و بطریق نیم رسمی بیان شده  
که مباحثه در خصوص صلح از ماه جولائی جاری  
فقط مسئله صکه شاهنشاهی ایتالی برضرایس باشد  
تصفیه نیافته است

بر حسب تلگراف روتر از اسلامبول صد هزار قشون  
ردیف برای مشق طلب شده و ۴ دو یژن در نمایش  
جنگی (ادریانوپل) شرکت خواهند نمود و بقیه  
در مقامات لازمه تعیین خواهند آمد - ازین رو  
قشون تحت السلاح عثمانی در اروپا ۳۰۰۰۰۰۰  
خواهند شد

بر حسب تلگراف روتر در جزیره (ساموس)  
بین قشون عثمانی و مانعبان سخت جنگ پیش آمده  
جهازات جنگی فرانس و انگلیس برای محافظت  
قوساخا های خارجه ملاحان بحری پیاده نموده اند  
اوضاع بالکان روز افزون رو بخوابی میگذارد  
ازین است که خواهش بابالی در صلح با ایتالی  
قوت میگردد - رشید پاشا وزیر معاون عثمانی از  
اسلامبول بحجاب (سوید) رهسپار آمده هرچه  
تصور می شود که مشار الیه حامل تحریکاتی است  
که بنا بر آن امید سریع صلح میرود

#### بیانات جنرال قونسل ایران

بوجب خبر رسمی که بقونسل جنرال ابراهیم  
رسیده است یار محمد خان که جزو اردوی دولتی  
در حوالی کرمان شهاب بود بقتلاً از اردو  
حدا شده کرمانشاهان را تصرف و سالار الدوله  
را دعوت و وارد میکند لیکن این واقعه هیچ اهمیتی  
ندارد و شاهزاده فرما فرما با استعداد کافی مرکب از  
مختباری و مجاهد و آرامنه و غیره از کردستان  
حرکت کرده و همین زودی وارد و این مسئله  
تصفیه میشود جناب مخبر السلطنه فرما فرمای فارس  
هم در حوالی اصفهان میباشد

جناب امیر مخم حکمران کرمان در حوالی کرمان  
با راه زمانت بهارلو مصادف و جنگ سحقی واقع

میشود قریب یکصد نفر از راهزنان کشته و اموال زیادی که در مدتی سرقت کرده بودند بدست میآید و امنیت کامل در آن حدود برقرار مینماید  
( ایضاً )

چند روز است فرمانفرما با اردو وارد کرمانشاهان شده سالار الدوله در خاک کردستان متواری است ( علاء الساطنه )

تذکرات راجع به ایران

وکالت روتر معلوم نموده است افواجیکه من باب ملاقات بلورل بین مسیوسازانوف و سرادوردگری می شود و مبنی بر تقسیم عملی ایران است یکدفعه بی اصل و بی اساس میباشد.

سالار الدوله با عده زیادی بطرف کرمانشاهان حرکت و بید نیست قشون فرمانفرما در قونسل خاهاى روس و انگلیس بناهند شوند  
( جبلالتین )

این تذکرات بدو وجهه دال است به بدخیالی روس و انگلیس در موضوع ایران. یکی آنکه تقسیم عملی را ذکر نموده اگر اطلاعات روتر هم صحیح باشد معلوم میشود که فعلاً خیال دولتین در تقسیمات جغرافیائی ایران است یعنی میخواهند معاهده جدید نموده نقشه تقسیمات ایران را بین خود شان از نو بریزند - و خیال انگلیس این است که همت گذشته نکشیم - تمام توجه شان این است که حصه بیطرف را هم جزو منطقه نفوذ خودشان قرار داده و اولویت خویش را هم در خلیج فارس بر وسیان قبولانند. و اگر واقعه قصد شان تیر ازین بود روز نامه خمس که زبان خرجه انگلیس است زمزمه تجدید معاهده با روس را نمی نمود. این تجدید معاهده برای چیست؟ اگر انگلیس بخواهند استیلای روس را در شمال کم کنند مسلم است که روسیان هرگز رضا نتوانند داد. پس فرض سرادوردگری این است که حصه بیطرف را جزء منطقه خود آورده و انتظام آن را بکف گرفته سپس مانند روس قشون باین دو حصه سوق دهد و مانند مصر بدون اینکه اسم الحاق آنرا هم فعلاً بزبان قلم بیاورد کلیه انتظامات و اختیارات را بکف گرفته تا دریک ملاقات دیگر بموقع خود طرفین اعلان الحاق را بدهند

دیگر اینکه هموم سیاسیون اروپا فعل و اثرگون مینماید یعنی در هر امری که میخواهند اقدام کنند بدو آنکارس را لازم می شمارند. و اینگونه انکارها را رموزدانان صریحتر از اقرار می بنمایند.

مثلاً در ملاقات اعلیحضرتین ادوورد هفتم و امپراطور روس مخصوصاً تشریح بیان امر شد که هیچگونه گفتگویی درباره ایران نخواهد شد و حال آنکه خاتمه استقلال ایران را در همان ملاقات نمودند. این انکار هم از قبیل انکارهای دیگر سیاسیون است و بعبه نیست فعلاً معاهده که در موضوع ایران بشود بنا بر مصلحت یعنی عدم هیجان مسلمانان عالم چند صباحی مواد مضره آن را مستور داشته عملاً شروع به مقدمات کار نمایند. ولی در هر صورت مطلب مخفی نخواهد ماند. و اگر انگلیس فریب روس را بخورند ندهای فوق العاده در کمال سرعت خواهند یافت و بمشکلاتی دو چار خواهند گردید که حل آن بزودی برای آنها میسر نخواهد شد

مسئله سالار الدوله و کرمانشاهان همانست که سابق نوشته ایم. اولیای امور طهران اگر در حقیقت مایلند خاتمه باین پیش آمد های اسف ناک بدهند فوراً باید انتخابات وکلا و تشکیل مجلس را اقدام کنند نه اینکه ماه ها بگذرد و مردم را با قدامت سرسری دلگرم دارند و این نکته را بخوبی بدانند ایران بدست ایرانی بدون مجلس ملی آرام نتواند گردید. يك مملکت باین بزرگی باقتدار چند نفر مردمانیکه همه چیزشان معلوم است سپرده نتواند آمد و هرکس به سیاسیات دنیا واقف باشد تبیین خواهد نمود باین اوضاع طهران اگر داخله هم ساکت ماند خارجه ساکت نتواند ماند. درست غور باید کرد باوضاع کنونی ایران و ملتت باید شد و این دفعه دعوی سالار الدوله چیست و چه قدر جاب توجه مشروطه خواهان ایران درین ادعا تواند گردید. خوبست که اولیای طهران نگذارند که این هیاهو در کلیه ایران منتشر آید و مجدداً ازین سر تا آن سر ایران هیجان ملی بر مخالفت ملت دولت بلند و بجایه سالار الدوله که مدعی برقراری مشروطیت شده آوازهها بیرون آید و پناه پیش از پیش بدست خارجیان افتد

جل امتین کلکتہ  
دیگل کالج استریت نمبر ۴  
HABLU MATIN OFFICE  
4, MEDICAL COLLEGE ST.  
CALCUTTA

امور اداره بامدیر  
ویدالاسلام است  
دوشنبه طبع  
شنبه توزیع میشود  
بوم دوشنبه

۲۵ شوال ۱۳۳۰ هجری  
مصادف با  
۱۷ اکتوبر ۱۹۱۲ میلادی

و ۳۰۰ حق اخذ ایونه بدون قبض ندارند و تا وقت که  
مشترکین را قبض ۳۰۰۰۰ سال بیستم دست نیابد  
ذمه شان بری شناخته نمیشود

نامه مقدس

# المبتدیان

( قیمت اشتراك )  
سالانه — شش ماهه  
هند و برمه

۱۲ روپيه — ۷ روپيه  
ایران و افغانستان  
۴۰ قران — ۲۵ قران  
عمانی و مصر  
۵ مجیدی — ۳ مجیدی  
اروپا و چین

۳۰ فرانك — ۱۶ فرانك  
مراسلات خصوصی بدون امضای  
روس و تركستان  
۱۰ منات — ۶ منات

سنه ۱۳۱۱

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود  
( مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

## بalkan و عثمانی

واقیان سیاست میدانند که از دو قرن باعتراف  
هر آفتیکه برای عثمانی پیش آمده و هر جنگی که  
مبتلا شده تمام از انقلابات بالکان یا باسم آزادی اقوام  
متنوعه این جزیره تا بوده است ، و همین دسایس  
حکومتیهای چندرا از خاک عثمانی مجزی و خود سر  
و بلقب پادشاهی و استقلال و خود بخناری سرفرازشان  
نموده اند که منجمله آنها یونان ، بلغار ، رومانیای  
سرویا ، قره طاع است ، و جزیره معموره کریت  
را هم چند سال قبل خود اختیاری بخشیده و در  
باطن به یونان ضم نمودند و دو صوبه بزرگ را  
هم که سه سال قبل که هر سک و بوسینا باشد آستریا  
به مملکت خویش ملحق ساخت قط در قبضه عثمانی  
در بالکان نمانده است جز مقدون و البانی و جزیره  
ساموس اینک که عثمانی از یک طرف بجنک ایتالی مبتلا  
و بنادرش محصور و جہازات جنگی اش محجر مانده  
و از طرف دیگر اختلافات داخلی و جنگهای  
خانی اش چه در اقوام مختلفه و چه در احزاب  
سیاسی نمودار گردیده دول را بهوس انداخته که  
اقلاً این دو سه مقام را هم از قبضه عثمانی خارج  
نموده تا استیلای شان را بر بوزاز و اسلامبول در  
آینده اشکالی پیش نیاید  
هر کس که بواقعات گذشته بالکان نظری داشته  
باشد بخوبی خواهد دانست که مسئله مقدونیا و البانی  
و ساموس که مقدمه افتتاح بوزاز است از مسائلی است  
که مکرر دول اروپا متوجه آن گردیده ، از خوف

آنکه مبادا مبتلای به انکار عثمانی و جنک رقابتی  
شوند هزاره هر اقدامی که نموده اند توام و مانند  
کله گرگ بهمنانی تاخته فشار آورده اند ، چند سال قبل  
بعد از یک انقلاب بزرگ بنصوب دول ژاندرمی ایتالی  
بر مقدونیا معین آمد ، در اواخر عبدالحمید مجددا  
انقلابات مقدونیا بالا گرفته اقداماتی که دولتین روس  
و انگلیس مدنظر داشتند و گویا جز ماهده ایشان  
بود تا تمام ماند و مجوزه خودشانرا مسترد داشته  
مهلتي برای عثمانی پیش آمد ، دعوی امارات بالکان  
امروزه بر عثمانی بظاهراستقلال و خود بخناری مقدونی  
و در باطن البانی و ساموس و ارمنستان باسم اینکه  
اقوام بالکان که هر یک را زبانی علیحده است در  
خور استقلال و آزادی اند ولی همینکه برده از روی  
مقاصد سیاسی دول مرتفع گردد ، دیده خواهد  
شد که امارات بالکان بخودی خود این هیجان را  
نموده و در باطن سنگ روی بیخ دول سائره اند  
قدری که باریک شویم خواهیم دید که مسافرتیهای  
رجال سیاسی دول اروپا خاصه مسافرت رئیس الوزرای  
فرانسه به پترسبرگ و همین قسم آمدن رئیس الوزرای  
روس به پاریس و برلن و سیاحت وزیر خارجه  
روس بانگلستان و رفتن پادشاهان بلغار ، قره طاع  
یونان به پای تخت های بزرگ دول مینی بر یک مسئله  
اهم سیاسی است و این نکته را بخوبی ظاهر می دارند  
جراند دو هیئت مثلثه دول چنانچه جراید آستریا  
و آلمان مینویسند که رئیس الوزرای فرانسه  
و عده آئیند بدولت روس داده است که بوزاز

اسلامبول را بروی جبهات جنگی وی مفتوح دارد - و چون این مسئله زیانش به انگلیسان هم بسیار است و در حقیقت مدعی بزرگ روس تا امروز درین موضوع انگلیس بود. مسافرت مسیو سازوف به انگلستان پیش آمد. معلوم است که اهم مشاوره باورل مسئله بالکان و افتتاح بوغاز بوده تا کجا سرادوردگری روی رضا بخواهنش روس داده معلوم نیست، و نیز مسافرت رئیس الوزرای روس به برلن دال است بر اینکه چون السداد بوغاز اسلامبول بر حسب معاهده برلن شده روسیاست میخوانند آلمان را هم باطناً واضی نموده باشند، چیزیکه در کمپانی روسیان میتوان گفت این است که این دو وزیر خارجه مشغولانه و خوشوقته از بالموول عودت نمودند عجب این است که از همان ساعتی که مسیو سازوف وارد انگلستان گردیده انقلابات بالکان شکل دیگر پیدا نموده است

برخی همچو می بندارند که مجوزه وزیر خارجه آستریا منباب اغتشاشات بالکان و عثمانی سبب پیش آمد های کنونی گردیده است و علت آنرا دو امر می گویند یکی آنکه این انقلابات سبب برمی عثمانیان در تسلیم خواهاشات ایطالی منباب طرابلس غرب گردد چنانچه تذکرافات اخیر دال است بر اینکه دولت عثمانی با الحاق طرابلس و برقه الحمرا با ایطالی بطریق غیر مستقیم روی رضا ظاهر نموده است دیگر آنکه آستریا چون میداند که روزی مقدونیا جزو بلغار و این دو ملحق بروس خواهند گردید پیش بندی نموده میخوانند که نفوذ و اقتدار و قوای خویشرا برای قبضه بر یک حصه از سرویا و مقدونیا سلم داده این امر از مسلمات سیاسیه و نقشه آینده اروپا می نیاید که البانی و قره طاغ یک شده و ملحق با ایطالی خواهند گردید و کریت و ساموس و سایر جزایر بحر سفید با یونان یک شده یا بلغار و ارمنستان بروسیه الحاق خواهند گردید آستریا بدست و با اوفتاده که مقدونی و سرویا را ملحق بخویش سازد و حل این مشاکل و تغییر این مبانی مربوط با افتتاح بوغاز است. این است که تا امروز نمیتوان از روش سیاسی دو هیئت دول مثلث استنباط نمود که کدام یک بنا بر نفع و زیان خود حامی عثمانی و کدام بر خلاف آنند، پیشتر بدین نکته سیر دارند که انگلیس و روس و فرانس

در باطن موید عثمانی و در ظاهر موید بر قراری صلح و امنیت و بقای هیئت کنونی بالکانند و بر عکس آستریا و آلمان ولو بظلم خودشانرا موید صلح جلوه میدهند در باطن بتغییر وضع بالکان و پیشرفت مقاصد سیاسی خویش بر خلاف رقبای خود حرکت میکنند مسلم است هرگاه بوغاز اسلامبول بروی جبهات جنگی روس باز شود و سوخ و نفوذ روس در بالکان چندین درجه زیاد خواهد گردید و هر قدر به نفوذ روس بیافزاید از اقتدار آستریا در بالکان خواهد کاست و فی الواقع آستریا به تهدیدات داخلی روس مبتلا خواهد گردید، دولت آلمان با اینکه مرکز سیاست اروپا شناخته شده تا کنون تا منتهای متانت ساکت و بیطرف نشسته توجه خویش را به هیچ جانب ظاهر نمی نماید ولی هویداست که هر طرف آستریا مایل شود خواه خواه آلمانرا متوجه باید دانست، فقط حرف در این است که نفع و ضرر خودشان را کدکدام يك از این دو هیئت متحده دول در تبدیل وضع حالیه بالکان دانسته یا در برقراری اوضاع و حیثیت کنونی آن. هنوز نمیتوان حکم نمود بر اینکه این تدارکات جنگی عثمانی و امارات بالکان منجر بزود خورد هم خواهد شد یا نه؟

بعقیده بعضی از سیاسیون هرگاه بشارت سیاسی دول عثمانی خواهاشات بلغار را در پاره آزادی و استقلال مقدونیا تسلیم نمود البانی هم همان شکل را فوری پیدا خواهد کرد و سالی چند نخواهد گذشت که البانی خود را به قره طاغ و مقدونی به الحاق خواهند نمود، چنانچه حزیره کریت خویشین را به یونان ملحق می سازد، و ساموس هم همان طریق دارد راه می یابد علاوه بر این بتدریج در همین تجزیه قوای عسکری عثمانی منحل شده من بعد عثمانی مقتدر نتواند گردید بجمع نمودن يك استمداد قوی مانند امروزه و سپس نقشه مناسه و منازعه بر سر شهر اسلامبول و نواح آن خواهد آمد، ولی هرگاه عثمانی بجنک در آمده تسلیم خواهاشات بلغار و غیره را نمود تا سالی چند خیالات سیاسی دول را عقب خواهد انداخت و ممکن است که آتش انقلابات بالکان دامان دو هیئت دول مثلث را هم گرفته جنگ عمومی در گیرد البته در آن موقع عثمانی میتواند تا سالیانه دراز منافع سیاسیه خود را دو

اروپا تحصیل کند و آسیای صغیر خویش را هم برای همیشه محفوظ داود وره پس از سالی چند همین مناقشات امروزه بالکان آسیای صغیر عثمانی را هم احاطه خواهد نمود

آنچه مستناد میشود چون امراض دول در خصوص بالکان و عثمانی مختلف است در آخرین تصفیه این ممالک متحدان دول کار رواش نتواند کرد، رقابت روس و آستریا موقع به هیجان امارات بالکان داده گمان نمیرود که بتواند توأم اقدامی در خودکی نیرن بالکان بنماید. اثرات رقابت دول در این نکته بخوبی ظاهر میشود که با این که پاریس مرکز اتحاد دول در مداخلت و امور بالکان مسلم شده و سازانوف دیروز در لندن و امروز در پاریس موجود است - دولت انگلیس شرکت خود را در مداخلت توأم بامور باصلی ظاهر نمیدارد معلوم میشود در باطن دول تلافی روس و فرانس و انگلیس مایل نیستند که در خودکی نیرن امارات بالکان دخالت کنند، و به عبارت دیگر مائل اند تصفیه مناقشات بالکان با عثمانی بشمشیر بشود، از طرف دیگر آستریا هم انکار دارد از این که با دول شرکت نموده امارات بالکان را از هیجان باز دارند اگر چه تا کنون عقیده آلمان ظاهر نشده و دولت مشارالیه با کمال متانت از دور تماشا کرده منتظر موقع است ولی مسلماً حاقبت نقشه آستریا را پیروی خواهد نمود. بهر صورت تا کنون نمیتوان گفت کدام یک هیئت مثله دول با عثمانی و کدام بر عثمانی اند. معذالک قراین سیاسی می نمایاند روس و انگلیس و فرانس مایل به تغییر اوضاع بالکان نیستند و اساساً در این انقلابات بزرگ آستریاست که محرك پیش نمودن تجویز دول در خصوص اصلاحات داخله عثمانی بود آستریا کوشش داشت که بقوت اتحاد دول برخی اصلاحات که در آینده منبذ بحال وی تواند شد در ممالک اروپا بهمانی قبولاند چون مجوزات وی پیشرفت نکرد بامنمای سرگرمی مشغول تدارکات جنگی گردیده است از طرف دیگر دولت روس هم نظر منافیکه در بالکان برای خود تصور میکند حرکات آستریا را مضر بحال خویش بنداشته در طستان بجمع قشون مبردارد و پدید نیست اگر آتش جنگ بین عثمانی و امارات

بالکان شعله ور گردد و آستریا بخواند بقوه قشوی برخی دخالت ها در بالکان و ممالک عثمانی نماید دولت روس بر خود هموار نموده باسبب حفظ منافع خویش در جلوگیری از وی قیام کند و اگر چنین پیش آید و جنگ بین آستریا و روس محدود ماند باز هم غنیمت باید گفت ولی چون از یک طرف آستریا که حلیف آلمان است تنها حریف روس شناخته نشده و از طرف دیگر اگر آستریا مغلوب روس شود شکست سخت به سیاست آلمان تواند رسید گمان نمیرود که آلمان در چنین جنگی بی طرف ماند و خوف روس بیشتر از همین نکته بود که برآ و بجزاً با فرانسه که حلیف انگلیس است عقد اتحاد می بندد و در چنین موقعی وزارت خارجه وی فرانس و لندن میرود و محض بی گم کردن به آلمان، رئیس الوزرای خویش را هم به بران میفرستد معلوم است اگر آلمان قدمی بحمایه آستریا بردارد مجبوراً فرانس و انگلیس هم بتساید روس خواهند برخاست و نارنجک اروپا خواهد ترکید و ممکن است یکقرن اروپائیان عقب اوفتند شرکت ایتالی با آلمان و آستریا مذبذب معلوم میشود زیرا که در چنین موقع بصلح با عثمانی رضا میدهد و گویا دست و پای عثمانی را باز کرده برای سرکوبی امارات بالکان متعدد میسازد و ضمناً این امر مخالف با منافع آستریا است هرگاه این ظنیهات صحیح آید فقط آلمان و آستریا در مقابله روس و فرانس و انگلیس نتوانند ایستاد خصوصاً که عثمانی هم طبعاً محض منافع خویش طرفدار فرانس و انگلیس و روس خواهد گردید

تلگرافات اخیر که از اسلامبول رسیده دلالت بر اینکه باجمالی ایتقان حاصل نموده است که در خصوص بالکان دول متحد نخواهند شد بلکه میتوان گفت که اطمینان سری بطرفداری یک هیئت از دول مثله حاصل نموده است و اگر ایتالی رسته معاهده خود را از اتحاد مثلث نکسته باید گفت باشارات سری آلمان بین دولتین عثمانی و ایتالی اسباب آشتی فراهم آمده در آن وقت باید ایتان نمود که محرك امارات بالکان همانا دولت روس بوده است در هر صورت بروز استعداد و قویکه با ایتالی در این موقع نازک داده و جوش

سرادورگری وزیر خارجه انگلستان و مسیوسازانوف وزیر خارجه روس در شورای بالورل منبای ایران متفق الرای بوده اند بهیچوجه گفتگوی عهدنامه جدیدی درباره ایران نشده و هیچیک اردوئین خواهان تقسیم ایران نیستند - دولتین متفق اند در تأیید ایران و برای برقراری امنیت تا طرق تجارتی مأمون و محفوظ مانده قشون خارجه از ایران بیرون روند بر حسب تلگراف طهران وزیر خارجه ایران مصمم شده که بدولتین روس و انگلیس در خصوص کانفرنس بالورل بروئست نماید که چرا ایرانرا شامل آنشورا نموده زیرا که ایران نظر به استقلال خود مستحق آنست که در هر مشوره که راجع بان باشد شمولیت نماید

کمیسیون مخصوص وزارت خارجه منبای درخواست دولت انگلیس در خصوص راه آهن خلیج تا خرم آباد غور می نماید . رئیس راه آهن انزلی و طهران از ۱۵ روزباین طرف وارد طهران شده که در خصوص راه آهن جلنا و تبریز امتیازی حاصل کند ولی خیلی پیشرفت نکرده است

بر حسب تلگرافیکه از وقایع نگار مخصوص امپائر رسیده جراید روسیه سخت نکته چینی از اقدامات مسیوسازانوف منبای ایران میکنند چنانچه نیوریمیا مینویسد که اساس گفتگوی بالورل بروی عقاید مسرتیج و کیتة پارلمانی ایران در لندن شده به بر منافع ملت روس

حسبات امالی کلکته در همدردی

( به ایران و عثمانی )

دیروز دو ازظهر گذشته بر حسب اعلانی که قبل از وقت بزبان اردو و بنگالی اشاعه یافته بود مجلس بسیار مهم بر جوش عمومی در (فریدریشن کروند) از هندو و مسلمان و غیره منعقد بدو برخی نامتقین از ظلم و تعدیاتیکه دول مسیحیه نسبت به مسلمانان خصوصاً مظلوم روس در تبریز و ایطالی دو طرابلس و امارات بالکان نسبت عثمانی نموده وی نمایند نطق های آتشین داده سپس موادی چند در باره ایران و عثمانی از اتفاق آراء گذشته بحکومت هند و دولت انگلیس پیش نمودند، جمعیت ملت هندو و مسلمانان و غیره در این مجمع عمومی بین ۲۵ الی ۳۰ هزار بود و تاکنون چنین مجلس موثری که هندو و مسلمان متفقاً کار روانی نموده باشند در هندوستان نشده و الحقی ملت هندو مافوق تصور همدردی خود شان را نسبت به ایران و عثمانی وسائر برادران اسلامیشان دادند و ما شرح واقعات با عکس مجلس را آینده اشاعه خواهیم نمود

وطن خواهی که از رطایب عثمانی ظلم گردیده دال است بر اینکه دواين موقع هم مشکل است دشمنان عثمانی مقضی المرام کردند و کان نمیرود که امارات بالکان تا دیر باز بترانند در مقابل قشون جبرائ عثمانی استقامت ورزند و اگر دخالت دول در میان نیاید عثمانیان خیلی در شکل امروزه بالکان تمییر توانند داد. فشار خارجی طبعاً اتحاد احزاب سیاسی عثمانی را سبب گردیده نمایانرا بیک شوکت و اقتدار بزرگ جلوه گر ساخته و بمجرد صلح با ایطالی جبهات جنگی از حصار بیرون آمده بنادر امارات بالکان را روزی چند تحت استیلا خواهد آورد، حق این است که سیاستپوش اروپا در خصوص بالکان بیرنگ بازی در آورده و تاکنون مسلك آنان معلوم نگردیده است در هر صورت میتوان گفت که هر کدام از هیئت های دول مثلثه که عثمانی باطناً یا ظاهراً همراه با او شد علیه مرآرا خواهد بود

تلگرافات راجعه بایران

بر حسب تلگراف روتر از طهران شورایی مسیوسازانوف با سر ادورد گری در بالورل سبب دهشت شده که مبادا محمد علی شاه مخلوع را مجدداً به تخت سلطنت ایران بنشانند. فقط چیزیکه این دهشت را کم میکند همانا وعده های متواتره سر ادورد گری است که بهیچوجه شاه مخلوع را به پادشاهی نخواهد شناخت

صمدخان ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران مقیم پاریس از طرف دولت ماموریت خاص یافته که بحضور والا حضرت ناصر الملك نائب السلطنه که فعلاً در سوئزرلند است رفته استدعای بازگشت ایشان را سریعاً بایران نماید و نیز از هر طبعه و احزاب متنازه عرشداشتهای تلگرافی بوالا حضرت نائب السلطنه رسیده استدعای مراجعت ایشان را جدا نموده اند هنوز عقیده نائب السلطنه معلوم نگردیده است

بنکابینه ایران تلگرافی از تبریز رسیده که خواهش شده محمد علی مخلوع را برای سلطنت ایران طلب نمایند . وزراء این حرکت را مبتنی بر دسائس مستبدین دانسته که میخواهند محمد علی را محبوب القلوب ملت جلوه دهند و همچو تصور میکنند از برخی مراکز دیگر هم اینگونه تلگرافات برسد یکدسته سواران هندی که چندی در اصفهان قیام داشته هودت داده شدند و وزیر مختار انگلیس بدولت ایران اظهار داشته همینکه مرتکبین حمله بر مسرت اسارت سزا یافتند دسته قشونی هم که در شیراز است عودت داده خواهد شد

بر حسب خبر رسمی که بوکالت روتر رسیده



## ترجمه از فینانشیل نیوز لندن

(مورخه ۲۴ اگست ۱۹۱۲)

(خطره منافع انگلیس در ایران)

در این سؤال که آیا مسأله استقلال در ایران اتخاذ شود یا بطریق بی اساسی مرعوبانه در پیش آمد امور حسرت زده نگریم وقایع نیکار روزنامه طمس مقیم طهران چنین نتیجه گرفته « آزادی و استقلال ایران خانه پذیرفت ، دیگران از در باز باین نکته اهم اشاره نموده بودند ولی رجال دولت انگلیس این نکته را محل توجه قرار نمیداد به عوض اینکه ایران را تأیید کنند بسازش های بیچ در بیچ مزید خرابی گردیدند

تاریخ ۱۴ روزنامه طمس اوضاع خزانه و مالیه ایران را اشاعه داد و حال آنکه آنچه را امروز نکاشته مدتی قبل باید نوشته باشد . در حقیقت اهالی انگلستان در خصوص استقلال ایران و تدبیرات آن مملکت بدبخت بخیبر گذاردند ، و حال آنکه لازم بود که از حالات ایران و اغراضیکه اهالی انگلستان در ایران دارند قبل از وقت مطلع شان سازند . ولی باز هم کاملاً موقع نگذشته ، باید دانست این کس مکش پستی که امروزه در ایران نمودار گردیده تنها نفع و زیانش محدود بایرانیان نیست بلکه مربوط به تمام ملل میباشد ، از اینرو تمام اهالی انگلستان را باید کاملاً آگاهانید بر آن منافعیکه آنها را علاوه بر جنوبی ایران هم موجود ، و در مخاطره افتاده برای تصفیه خاطر خواه مواد مذکوره حکومت ما راست که کاملاً آراء عمومی انگلستان را جاب نماید ، فریب دادن باین سخنان که آثار و علائم ترقی در ایران نمودار است فضول و بیکار می باشد . حقیقت امر ظاهر و چندان لازم بانکشاف نیست و از غلط بیانی خصوصاً فریب اهالی برهیز باید کرد

این امر مسلم است که دولت روس بر شمالی ایران قابض و اراده نموده است ولو هر چه پیش آید قبضه خود را قائم دارد . چه روسیه را هیچگونه خونی از ایران باقی نمانده فقط خونی که دامنگیر اوست از عثمانی است که تاکنون در شمال ایران دولتی ذی اقتدار بشماراست . از اینرو دولت روس اقداماتی که در آن سرحدات میباشد باکمال هوشیاریست . این امر تسلیم شده است که واقعات شمالی ایران

روز بروز تغییر می یابد و معاهده روس و انگلیس که بلا شبه ایران را فائده بخش میتوانست بشود بواسطه پیش آمد های کنونی نزدیک است نتیجه معطوف فقط در یک عالم خیال و تصور باقی مانده وما راست که دعا نایم که آنچه هویداست و میدانیم چنان پیش آمد ها که اساس اتحاد تلافی را متزعزع تواند داشت پیش نیاید ، ولی گردش زمانه و پیش آمد حال می مایند که چنین پیش آمد ها ممکن الوقوع هست ، ما باید خیال نایم که اگر درات روسی در شمالی ایران بدون مشوره ما اقدامات جدیدی کرده قشون باصفهان و یزد فرستد حیثیت ما چه خواهد بود ؟

(منافع و اغراض انگلستان)

(در شمالی ایران)

از نقشه ایران مخوبی ظاهر میگردد سیم تلگرافیکه از جلایم ایران آغاز و از طریق تبریز و قزوین بطهران آمده شاخه از شعبه تلگرافی هند و اروپا بشمار است و این متعلق است بیک کبابی انگلیسی که اداره مرزهای لندن میباشد . بواسطه معاهده مخصوصه دولت ایران تا سالی چند این رشته سیم تلگراف را بنصرف کبابی مزبور داده است . این نکته را باید دانست که این رشته تلگراف هندوستان را به اروپا و اروپا را با اقصای شرق مربوط می سازد و سیم تلگراف حکومت هند در طهران ملحق با وی می شود . اگر نظر دیگر به نقشه ایران انداخته شود دیده خواهد شد که یک رشته دیگر هم از طهران به شامروند سبزوار الی مشهد کشیده شده و این رشته تلگراف ممالک شرقی اروپا است ، این رشته اگرچه تحت اداره تلگراف خانه ایران میباشد ولی در زیر نگرانی اداره کبابی هند و اروپاست و سلاله حکومت هند چهار هزار رومیه صرف این رشته تلگراف می نماید ، یک افسر روسی که دو افسر تحت نگرانی اوست یکی در طهران و دیگری در مشهد در حفظ این سیم طمورند و سایر ملازمین این رشته تلگراف را اداره تلگرافی ایران تعیین مینماید . ( از این رشته باجزه دولت ایران در موافق خاص دولت روس هم محاسبه می تواند نمود نرضیه انگلیسایم در این امر شرط است .

رشته دیگر این شاخ تا سیستان کشیده شده که مخصوص بدولت ایران و باز هم تحت نگرانی ماورین است و بسیاری از ملازمین حکومت هند درین رشته تلگراف کار میکنند ، سیستان تا کوه ملک سیاه که ( ۷۰ ) میل است سیم تلگراف ندارد و علت این است که دولت روس از مظار لدین شاه اقرار گرفته بود که به دولت انگلیس اجازه داده نشود که از سیستان تا سرحد هند و وسط ایران سیم تلگراف بکشد ، با اینکه حکومت هند حاضر است برای کشیدن این ۷۰ میل سیم و نوازمات آنهم تمام تهیه شده ولی بواسطه قول شاه متوفی دولت ایران رضا نمیتواند داد که در این قطعه مختصر هم انگلیس سیم تلگراف بکشند موثر حیرت و تعجب این است باوجودیکه بین روس و انگلیس اتحاد و معاهده شده تا هنوز این ۷۰ میل سیم تلگراف را هم انگلیس نکشیده اند که اساس تلگرافات آن خننه را محکم نماید ، اهم تر از همه برای حکومت هند سیم تلگرافی است که کبانی تلگرافی هند و اوپا از طهران الی بوشهر کشیده و شامل است در آت قم ، کاشان ، اصفهان ، آماده ، شیراز ، کازوون ، وغیره و در بوشهر شاخی به تلگرافات تمام خلیج ، بحق بکرابی و دیگری به تلگرافخانه (فلاو) متصل می شود و از طهران الی کاشان نیز دوشاخ است هر شاخ سه سیم دارد ، از کاشان الی اردستان ، و یک رشته که شش سیم دارد تا آبادان است ، از اردستان تلگراف ایرانی الی بوشهر از راه اصفهان و شیراز کشیده شده و شاخ وسط ایران تا کوه ملک سیاه از میان یزد ، کرمان ، سیم ، و ریگستان لوط گذشته وسط بلوچستان را قطع کرده تا به ( بچگور ) رسیده ، متصل به سیم تلگراف بکرابی می شود ، کبانی تلگرافی هند و اروپا این حصه را اهم و ضروری شناسخته و رشته دیگر که کمال اهمیت را دارد و چندان محل توجه نیست ها آسیبی است که از بغداد براه خاقین ، کرمانشاه و همدان الی طهران متصل است و این هم بر غالب اهالی معلوم نیست که این رشته تلگراف باین شرط امتیاز گرفته شده که حکومت هند میتواند بعضی بوشهر آن رشته را باختیار آورده کار کند

## ( نکته دقیق )

رشته های مذکوره غالباً در منطقه نفوذ روس قاصطنهان میباشد - شاخ تلگراف ایران قرب ۳۰۰ میل و شاخه وسط ایران قرب دویست میل از طرف مشرق تا یزد از راه اردستان گذشته است ، بنا بر بیانات فوق تصور میتوان کرد که اگر روس قبضه بر شمالی ایران نماید به تمایلات ما در امور مذکوره چه پیش خواهد آمد ؛ بر حسب معاهده با ایران میعاد اختیارات ما بر رشته های مذکوره سال ۱۹۲۵ میعاد خواهد پذیرفت - آیا در آن وقت ما کلیه آن اختیارات را به روس خواهیم سپرد ؟ آیا ما خواهیم توانست بدون اختیارات خارجی این اختیارات را بر قبضه خود داشته باشیم یا مجبور خواهیم گردید دو دستی تسلیم روس کنیم ؟ آیا در این معاملات هم مانند سایر معاملات در دریای حماقت غوطه زده ساختن نشته بروی یکدیگر نگاه خواهیم نمود ؟

## ( نکته دیگر )

این را هم نمیتوان از مدنظر دور داشت که مرکز بانک شاهنشاهی ما در طهران و شاخه او در کلیه بلاد شمالی ایران موجود است ، و نیز کبابی حمل و نقل مال التجاره و عبور و مرور سرمایه زیادی در این کار گذارده ، راهی که فعلاً قبضه این کبابی است شبیه از طهران الی قم و سلطان آباد و همدان تا برسد به رودخانه کارون امتیاز دارد و میتواند این راه را وسعت دهد ، و نیز شاخ دیگر این راه که قبضه این کبابی است از قم الی اصفهان و از کوه های بختباری گذشته تا باهواز منتهی میگردد ، این را هم باید دانست که کارخانه قالین بافی سررز زکار کبابی راجع به ماست و کارخانجات دیگر قالین بافی سلطان آباد که بزرگترین قالین باف خانه ایران است تمام سرمایه و اختیار ما میباشد - این کارخانه جات بزرگرا عاقبت چسبه پیش خواهد آمد ؟ تمام در شکم روسیان خواهد رفت ؟ ظاهراً اگر چه وقوع این امور فوری بنظر نمیرسد ولی اگر دولت انگلیس کاملاً با دولت روس تصدیه معاملات شمالی ایرانرا نماید در آینده منافع ما در ایران رو به نقصانی خواهد نهاد

در آغاز عنوان نکاشته آمد که شمالی ایران کاملاً در قبضه روس آمده و نیز خواهد

ماند و هر قدر زود تر انتظامات روسی شود همان قدر بهتر است - چه بدون انتظام خارجی ترقی ایران ممکن نیست - و نیز اظهار شده که بدترین وضع دولت انگلیس سستی و تکامل او در امور ایران است و بنای خرابی آن بواسطه بد مسکی چند فری پیش نیست که تأیید مینماید مشروطیه خواهان ایران را و این تأیید مزید خرابی آنان گردیده است - چه مملکت ایران مستعد مشروطیت نبود - غالب اهالی ایران نمیدانند مشروطیت چه بلای است که بر آنها وارد آمده و نمیفهمند که چند جوانان سرگرم آنم ارا به کجای کشاند - دولت روس این نکته را بخوبی میدانست و ازین رو توجهش این بود که سریعاً مجلس را خاتمه و روسیای برای ما بار آید

( مسلک ما در ایران چیست ؟ )

ما اتفاق داریم که قبضه روس بر شالی ایران کامل ولی از بیانات وزیر خارجه معلوم میشود که در موضوع ایران کار روانی میکند - اما بیانش نشده است که نفع هم ایران در او هست و یا اغراض ما در ایران محفوظ تواند ماند ؟ ظاهراً معلوم می شود که دولت روس خواه دولت انگلیس راضی باشد یا نه قبضه کامل بر شمال ایران نموده است آیا دولت انگلیس در ایران چه مسلک اختیار خواهد نمود ؟ نمیدانیم همان مسلک سستی وانی که تا کنون در پیش داشته یا بقوت واستقامت کار خواهد کرد تا هم منافع ایران در آن باشد و هم اغراض ما محفوظ ماند ؟ هر گاه ما ساکت مانیم که دولت روس بر شالی ایران قبضه خود را مسلم دارد و ما جنوبی ایران را قبضه نکنیم در آن صورت قبضه روس به کلیه ایران چه دشواری خواهد داشت ؟ ما راست است که از دو یک شق را اختیار نمایم تا محات از مهالکان تواند شد - اولاً قدم قدم روس در جنوب برداریم و کاری که دو سال قبل باید کرده باشیم امروز به نمانیم بدین معنی که در جنوب ایران کاملاً مداخلت نموده امنیت برقرار داریم ، یا چشم از همه چیز بپوشید آرام نشینیم - در شق ثان عظمت و وقار ما در مشرق خاتمه خواهد پذیرفت

و اگر ما مسلک مداخلت کارانه اختیار کنیم لازم است که نقشه حصه بی طرف را یکدفعه مرتفع داریم ، و ترمیم بنای معاهده روس و انگلیس را ولوموقتی باشد و دولت انگلیس در حصه بی طرف و جنوب مداخله کند و دولت روس در شمال، در اختیار چنین مسلکی دولتی روس و انگلیس بدون اینکه مملکت ایران را به مالک خودشان ملحق سازند انتظامات قشونی را کاملاً ذمه دار خواهند بود - ولو این که جماعت برخلاف این مسلک بایستند ، اموری را که دولت انگلیس میخواهد و بر او لازم است حاصل کند این است که دو کلیه ایران تجارت آزاد و بدون هیچگونه جلوگیری باشد - در عبور و مرور راه آهن ابداً خدشه پیش نیاید - تجارتخانه های انگلستان را نه از کسی خوف و نه مال التجاره ما از هیچ مال التجاره پست تر است - مال التجاره انگلستان و مساک انگلیس را اهالی ایران نیکو می پسندند و خواهند پسندید ولو این که (بروفیسر و امیری) هزاران آراء غلط خود را بیان کنند چنانچه بیستم ماه حال در روزنامه طمس نموده است ، در این قریب اخیر هزاران صنادیق مال التجاره خود را دولت روس بایران فرستاد که عاقبت مقتدر بر تحمل خساره آن نگردید چه نجات مخصوص تعیین نموده ، مصارف آنها را متحمل میشد - در سال ۱۹۱۰ میلادی تمام وکلای تجارتی روس ایران را وداع گفتند - اگر (بروفیسر و امیری) در ظرف پنج سال گذشته در ایران سیاحت نموده بود معلوم می نمود که تجارت انگلستان را هیچگونه خساره وارد نیامده است ، یعنی از رواج و مقبولیت عامه در مقابل مال التجاره دیگران بیوفزاده | و اگر موقع به تجارت انگلستان داده شود ( و حال آنکه از تصرف دولت انگلیس داده نمیشود ) تجارت ما از این سر تا آن سر ایران ولو راه آهن هم بشود تجارت خود را از پیش توانست برد و این امری است که مسائل مخدوشه را مرتفع تواند داشت - و ما همین را میخواهیم و نمائیم داریم که با اصول ما راه آهن در ایران تسیر شود - اگر دولت ما چنین اقدام کند که دولت روس نموده ما هم از گوشه گمانی بیرون

آمده با سایرین در میدان تکاپو خواهیم افتاد  
 هزار لیره که برای مصارف لشکر کشی شیراز  
 از قرضه جدید علیحده گذارده اند خیلی کم است  
 و اینکه کرنل سوییدی در بهار آینده ۱۰۰۰ نفر  
 زندارمی بشیراز خواهد فرستاد اصمیان بخش معلوم  
 میشود، این عقیده که ۱۰۰۰ زندارمی نیم تعلیم  
 یافته با مختصر قشون غیر مشاق متحد شده با  
 بجه هزار قطاع الطریق مقابله نمایند متغلامه معلوم می شود  
 ده هزار قشون تعلیم یافته انگلیس و هند برای  
 تدارک نظم جنوب زیاد نیست، ولی اگر دو سال  
 قبل که بیانات تا ایندرجه جور نشده بودند اگر اقدام  
 در امنیت می شد آنقدر تدارکی که از طهران  
 میخواستند بهرستند کافی بود اعتراضات زیاد بر مملکت  
 انگلیس شده حالا باید دید که تاجران انگلستان در  
 پیش آمد واقعات چه رأی پیش خواهند نمود  
 (ب - دلیو استاتو)

حبل المتین

آشنایان جراید میدانند که (فینانشل) هنوز یکی  
 از جراید معتبره انگلیس و مقالاتیکه در اوسپاسیون  
 می نویسد محل توجه رجال انگلستان میشود اگر چه  
 نگارنده مقاله فوق مزبور - دلیو استاتو در بعض  
 نکات غیر منصفانه سخن رانده و جاهل عارفانه نموده  
 ولی بدین شبه نگارشاتش مطاعه است، ما کار بصحت  
 و سقم سائر سخاوین او نداریم فقط بدو نکته اکتفا  
 می کنیم - اول اینکه ایرایات قابل مشروطیت  
 نیستند - این سخن را از این رو می رانند که  
 مشروطیت شرق مضر است بمنافع خریبان و اگر  
 بدیده انصاف نگرییم تمام انقلابات و بازی های  
 ایران را دست های خارجی فراهم آورده و می  
 آورنده و اگر ایرانیان را بحال خود گذارده و  
 بگذارند زود تر از ملل سایر اروپا با اجرای  
 قوانین مشروطیت موفق می آیند - همین سخنان  
 را که امروزه درباره ایرات میگویند در حق  
 چین و عثمان هم می رانند و همین نیرنگ های  
 را که در ایران ریخته دارند در چین و عثمان هم  
 میریزند - تکذیب این عقیده را همانا ترقیات ژاپون  
 در سایه مشروطیت بخوبی میباشد چه او نیز شرقی  
 و از جنس چین و عثمانی و ایران است فرقی که ژاپون  
 با ایران و عثمانی و چین دارد این است خار حیان

در موقع مشروطه شدن ژاپون چون کان نمیکردند  
 پیشرفت نباید کاملاً بدسایس به برداختند، و با  
 اقتدار پرداختن نداشتند، ترتبات ژاپون در تجارت  
 و صناعت و قووات بینه غربیات را بهوش  
 آورده، چون فعلاً دستشان از پیشرفت دسائس  
 در ژاپون کوتاه است به چین و عثمانی و ایران برداخته  
 بدون اینکه اسمی از وی بیاورند، شرقیان را قابل  
 مشروطیت نمی شمارند، و اگر موفق باشم جلال سائردول  
 شرقیه شدند یقیناً بنای دسیسه کاری را در ژاپون  
 هم خواهند گذارند، آنوقت است که جراید اروپا  
 بنویسند که ژاپونیسان هم قابل مشروطیت نبوده و  
 نیستند، ولی باید دانست که چشم اهالی شرق باز  
 شده و باین سخنان نمی توان آنان را در مساعی  
 حیاتیه مانع آمد و یا سستی و رخاوت در اقدامات  
 شان پیدا کرد.

دوم اینکه نگارنده حفظ منافع انگلستان را  
 در ایران به پیروی اقدامات روس مینگارند و این  
 بزرگترین سهو سیاسی است - چه کسانیکه واقف  
 باقتدارات قشونی روس در آسیای وسطی می باشند  
 و از مملکت توسعه کارانه روس واقف اند و قدرت  
 قشونی انگلیس را در کبیه آسیا خصوصاً در آسیای  
 وسطی اندازه کرده اند تصدیق دارند که اگر  
 انگلیسان در جنوبی ایران مانند روس در روائی  
 کتند سالی چند نخواهد گذشت که ماده قشونی  
 روس و انگلیس از چند جانب در سرحدات هند  
 پیش خواهد آمد - تمام بازیهای روس برای  
 هندوستان و حفظ هندوستان جز استقلال ایران  
 برای دولت انگلیس غیر میسور است

دوایان رموز سیاست اعتماد و اصمیان بورق  
 باره های معاهدات ندارند خصوصاً ماده ماروس که  
 در عهد شکنی ضرباتش است، چه بسا معاهداتیکه  
 مرکب آن خشک نشده ضد آن نتیجه بخشیده است،  
 دولت روس اگر بر تانک شمالی ایران قابض آید  
 ولو انگلیس در جنوبی ایران استیلا جسته باشد  
 حمله بر انگلیسان برای او در کمال سهولت است،  
 روس با انگلیس هرگز صمیمانه اتحاد نتوانند نمود  
 و بقول سیاسیون روس تاوقتیکه انگلیس در هند  
 قیام دارد آشتی روس و انگلیس حکایت سنک و  
 صبو است، و فرض دولت روس حصه بی طرف

آماده است که اسباب شر خود را بسته به آلمان برود، آیا فرانس ناامید شده است از اینکه در مراسم رسمی قطعاً چیزی منبای اتحاد جنسی متذکر نشده است؛ امیر کبیر (گراند دیوک) نکالوک به اشاره جنرالهای روس به تماشای مانور فرانسه می آید، ازین نقل و حرکت درباریس چه سرگونی خواهد شد. و کوکوتوف در بران چه خواهد کرد. باز هم در برلن پرسش خواهد شد که در مانورهای فرانسه چه می شود؛ ولی در هر يك از این مواقع صدای از روس بلند خواهد گردید که هر گوش این جنبه را تواند شنید و آقایان لطف فرموده زر بدید.

عنوان انتقاله این است «بزرگترین احق در سه مقام» محور مقاله مسطور فرانس و آلمان را دو احق قرار میدهد و این امر از نگارشاتش مشع است؛ ولی احق سوم که بزرگتر گفته شده است؛ هروان اولف این منزلت عالی را به برطانیه عظمی مخصوص می دارد. در باره این امر که قرضا موسیو پونیکار در پترسبرگ منبای افتتاح بوغاز دارد نیز وعده بروس داده نگارنده مذکور میگوید که سوال این است که آیا انگلستان هم در شرق قریب (مانند استقراض چین) جناحی که او بخاطر داری روسیات هر نقطه تسلیم شده است تسلیم خواهد شد. مغرورین انگلستان از خوف آلمان چه مسلکی را اختیار نموده و رحل امروزه انگلستان چه میراث برای اصلاف خود میسپارند؟ در صورتیکه انگلستان و آلمان از سوء ظن متضاد نبودند چگونه مطالبات روس را مینگریستند؛ از ترددات و تفکرات که در اروپا دامنگیر انگلستان شده است روس واقف گردیده از او فایده بر می چید. روس انگلیسان را بجزیر به تسلیم مسامحه بران کرد و آب دیوار را که حد فاصل شامراه هند است منهدم و در مشرق بیدید هم پیش قدمی نموده. زبان که رفیق انگلستان است بطرف خود جاب میکند و باز هم برای افتتاح بوغاز دارد نیاز نشه میریزد و آلمان - فرانس - انگلیس در آن حماقت که خود را در مخاطره می اندازند هم قضاوند و از این حماقتها

را هم جزء جنوب قرار دهد. همینکه استیلا بر مالک شمالی ایران یافت همان حمله را که باید در سرحد کویت و کوه ملک سیاه بنماید با سهیل و ج در سرحد یزد و کرمان واصفهان و بختیاری خواهد نمود و همان نتیجه که در حمله سرحدات هند مضمونش است در همان حمله حاصل خواهد کرد. و ما هرگز نمی توانیم بگوئیم که رجال انگلستان بی باین نکته نبوده ولی خوف آلمان در اروپاست که رجال دولت مشارالیه را باین سهوهای پنه سوق میدهد و اگر رجال انگلستان چنددیگر بسوهای سیاسی خود شان در وسط آسیا باقی مانند ورد زبان خود خواهند نمود (یکی نبود دوتا شد) یعنی هم خوف از آلمانشان در اروپا باقی خواهد ماند و هم خوف از روس در آسیا و حمله هند دامنگیر شان خواهد گردید.

حجز ترجمه از روزنامه منچستر گاردین

( مورخه ۲۱ آگست سنه ۱۹۱۲ ع )

( دولت روس و رقابت اروپائی )

( نقادی آلمان بر مسلک انگلستان )

هر تپو در اوقاف در روزنامه برلین ناگلات منبای تلاق امپراطورین روس و آلمان و رئیس الوزرای فرانس ( که در پاتیک و پترسبرگ شده بود ) نقادی شدید اللهجه نمود و در خصوص نگارشات حرابید فرانس و آلمان که این ملاقات را اهمیت داده اند میگوید ( این رقابت متخاصمانه نه تنها باروا است بل حاقمتهای اروپائی را به منتهای درجه میزاید از اینرو بیک گونه خیال اولویت در روس پیدا شده قطع او را می افزاید و نیز خیالات و مجوزات روس را که مدتی سرد شده بود از سر نو متحرك می سازد. روس از کجا چابکدستی دیپلماتی خود را در تزیید رقابت و میلان آن متحرك می سازد. این ملاقات از یک طرف موسیو پونیکار ( رئیس الوزراء فرانسه ) را از پتمن هالوک ( وزیر آلمان ) ترسانید و طرف دیگر آخرالذکر را از کابینای اول الذکر هراسان ساخت ) گویا روس دارای شهادی است که به هر جراحت نافع و هر گونه موقتی که پیش آید از وی تمتع می یابد. آیا آلمان هم با وجود آن ایقانیکه در پترسبرگ داده شده هنوز مزدداست؛ موسیو کوکوتوف ( رئیس الوزرای روس )

هیچگونه نفی جز بروس نمیرسد ، قصه کوتاه در حقیقت از این حقايق كبرك است .

كلام نظر به علم اسلام

( و آینده افغان )

( از نامه محمود علیخان پلیدر از مبرهنه )

( و تلك الایام مداولها بین اناس )

ازین کلام يك استنباط میشود که زمام مملکت و عنوان سلطنت فی الحقیقت بدست کسی است که همه شاهان دول مطیع و منقاد اویند و او حکومت را بعبادت مردم میگردداند و از دست نا اهل گرفته بدست ادانش میسپارد که سزاوار شایان او باشند

مرا او را سزد كبریا و منی

نه ملكش بدیم است و ذاتش غنی

سر پادشاهان گردن فرار

بدر گاه از زمین ساز

محققان ادیان متفقند که این عالم يك سلسله

علت و معلول است و ابتدا و انتهایش که عبارت

از علت العین یا علت غائی است هر ذات واحد است.

و این سلسله به تمام عالم جاری و ساری است، چون

يك سنگرمی بینیم که اوراق تاریخ بر از بیانات

سلسل و معلول است که بصاحبه هستی مرتب گشته

چنانکه هر گاه مورخ نسبت ترقی و تنزل اقوام

مینویسد لازماً اسباب را به بیان می آورد که چنین

و چنان بود

چاین است کردار چرخ بلند

بدستی کلاه و بدستی كماند

زیرا که موضوع کلام اسلام و مستقبل اسلام

است ، زان سبب زود بر سر کلام آئیم ، اوضاع

زمانه دگرگون گشته و در این چندین ساله اخیره

قدری دگرگون شده که یارای گفتن نداریم ، چه

خواهد شد - ( به بیم چه زاید شب آیدن است )

بناظر سیاسی اروپایان - ارهای ، لایط و تیره از

افق برخاسته - مطامع خبیلی گرد آورد گشته - همه

آمار طوفان نمایان است ، مطلق شمال نیست ، همه

منتظر اویند گفتن نمیتوانم از کدام سمت خواهد

آمد و بکدام سمت خواهد وزید - واجتماع عناصر و

مادیات آتشگیر را بکدام ذبقة ارض تصادم خواهد

نمود ، آنچه ظاهر است همین است که تقسیم کره

ارض بحراره و نشها چنانکه امروز بدیوارما چسبان

است بدیر نخواهد ماند و آن خبلی تعبیر خواهد شد که ما هم خود نخواهیم شناخت که این چه شد

قبل از آنکه ما بر سر ، بیاییم و این عقده لا

بجمل را بکشاییم و دنیا را آنگاه

انشاءالله عنقریب دولت خدا داد رشك دول میشود

چند سوال پیش کرده مسائل مشکل را حل مینمایم

یعنی اسباب انحطاط شرقیان و خصوصاً مسلمین

چيست ؟ چه سبب است که حیثیت ملی از قوم

ما رفته خیال حقد عرض و ناموس نموده ازین

هیاهو آخر چه خواهد شد ؟

باید دانست که افعال انسانی متبوع فرزند از

آن زمان که الحاد و اعتزال بنلوب مسلمین جای

گرفت ، استقامت و راسخ الاعتقادی ضعیف گشته ،

هر گاه که قلب کمزور شد اضمحلال افعال نمودار

شد ، چنانکه در این نصوص از الله لا یغیر ما قوم حتی

یغیرو ما بانفسهم و امثال ذلك کتابه ایست بسوی

این مطلب ، قومی که اعتقادش این باشد

اموت ثم بعث ثم بشر - حدیث خرافت یام عمر

حیثیات فطرت و جوش طینت معلوم و این امر

محل اشتباه نیست که سبب انحطاط اهل شرق همین

نا اتفاق شان است که بیبج وجه متفق نمی

شوند و بر این آیه میکنند ( واعتموا بحیث الله

حیما ) و دانایان جهان اختلاف بین شان انداخته

اند که کار حکومت شان آسان گردد - و شرقیان

هنوز نمیدانند که اتصال دولت نامت با ملت قوای

دولت است و اتفاق بین ملت دولتی را بحدی ضایع می

آرد که اجاب از جواب موقع و سلبه یافته آنرا

ملوب و محکوم میکنند

همه حیثیات انسانی از قسم غیرت ، حمیت ، شجاعت

و عرض و ناموس و غیره فی الحقیقت در تحت

حکومت است ، تاریخ شاهد این مقال و اصول

فطرت موید این کلام است ، گاه ندیدیم و هرگز

نخواهد شد که درختی از بیخ و بن کنده باز بر آید

و ستاره که از بالای آسمان بزمین پایان رسیده باز

بآسمان نخواهد رفت ، همچنین اقوام محکوم و ناموزم

یارای حکمرانی ندارند و حیثیه حیثیت از قسم

غیرت و حمیت در اقوام محکوم اثر یافت میشود ، از

این رو که ادراك افراد و اتحاد آن ملت کمزور

گردیده و بیحسی رو می نماید و این محتاج نبوت  
مزید نیست اظهر من الشمس و از مشامده عالم  
و خصائل اقوام بپایه نبوت رسیده است

ای صباگره جوانان چمن باز دسی  
خدمت ما برسان سرو گل و ریحانرا

ای عبدالرشید بروانت آفرین . روحت سایه  
رحمت خیرالانام باد. تخیلی از نخلستان حجاز آورده  
بزمین زابلستان کشتی و با آرایش خون دل خوردی!  
پس چرا این نهال سر نکشد و سر بلند نگردد  
زهی مبارک ایام که عالم اسلام بسپایه اش بیاید و  
این نهال از حوادث سیلاب و طوفان باد بجا مانده  
درختی بار آور شود. خوش است روزی که کام عالم  
از نمراتش شیرین گردد و دهانی از حلاوتش تلذذ  
بردارد - ای بنی قیس! چشم عالم بر شہاست  
چشم پد دور باد. ای جوانان که خود را رسم و بریان  
میدانید از ما بشنوبید، نیر اقبال هنوز ملک تان  
نذر خشیده مگر زود نابند است، الحمد لله که تا کنون  
ملک شما محکوم نشده ذلت و خواری ندیده اید  
ملک تان آباد باد. خدا بشا روزی نارد که سایه  
تاجدار از شما دور شود و خودتان مثل دیگران  
بد بخت و بریشان شوید، خوب بدانید که عزت  
نفس و رهایی جان یکجا نمی شود

عروس ملک کسی در کنار گیرد تنگ  
که بوسه بر لب شمشیر آبدار زند

ای نهالان بوستان خصوصیات و شعائر ملت  
را برقرار دارید، بخلوص و اعتدال بحضاطت  
اسلام بکوشید، در کارهای اہم شورا و اجتماع  
کنید و باصلاح تان برعایت اسباب سعی کنید  
اطاعت و فرمانبرداری حکمرا را بر خود واجب  
بدانید، گویا آنان از طرف خدا هستند، و هر که بر  
احکام آنان مواظبت مینماید بخوشنودی حق واصل  
میشود، چنانکه در این کلام *یاک اذیعوالله و اذیعو  
الرسول واولی الامر منکم انما امرایست بحکمران ملت*،  
ای ارباب و جوانان که نیروی دولت و روان  
ملت هستید ارواح نیاکان از کارهای تان خوشنود  
باد، قوم ابدال از نیروی شما شرف یافت. احدشاه  
غازی و نادر شاه عالی را هرچه از قسم فبروزی  
و فتحندی بدست رسید زور بازوی نیاکان تان  
بود. باید بدانید و ببینید که زمان امروز زمان

دیروزه نیست. از حال دیگران عبرت بگیرید و این  
حالت زبون که وارد آفات گشته خود تان غور  
کنید از کجا آمده

این همه آفت تیبیه غلط کاریهای شان است،  
آنان از نا آزموده کاریها ملک را خراب کردند  
بخود غرضی خسته سلطنت دیرینه را بر باد  
دادند، از چنین کارها پس بمانید، همسایگان ما نیز  
بیای خود زدند، خانه خود را خود خراب کردند،  
الغرض کارها کردند که موجب خسرالدنیا والاخره  
شدند، خود را آماجگاه طعن و تشنیع خلافت کردند،  
سینهای خود را هدف گلوله اجانب ساختند، از اتفاق  
و غلط کاریها ملت و ملت هردو بر باد شد،

بسکنند و سلیمان بر ای صبا پیامی

بشاست ملک و دولت من و ملت بنوائی

ای اکار ملت و اولیا دولت از شما بهر هوا  
خواه و من عزیز له باشد. خدا ظالم خود را از  
شما دور نگرداند و سایه شما از قوم کم نشود  
مرحمت خروانی بر حال تان زیاد باد، بر ما بید و  
ملاحظه کنید روزی رسیده است که خود تان  
فرآن را گرفته بحضاطت اسلام در آید، چون  
نظر بالا میکنیم گویا از ذرات عالم صدای می آید که  
ای مسلمین اسلام را سخت نگیرید

ما نداریم مشای که توانم شمید

ورہ مردم رسید از کاش و سلت نجات

شریعت را بجای نماند، بزرگان ما باحیای آن  
خون دل ریخته از جان شیرین گذشته اند، گر  
می خواهید که اسلام برقرار بماند و گزندش نرسد  
باید مسای فوق العاده نمایند تا نام تان بصفحه  
هستی باقی بماند

حفظ عرض و ناموس و استحکام ملت و  
خوشنودی رسول هرگاه ملت را عزیز دارید باید  
که اجانب را بخود تان را ندهید و میان خود  
نمانید، از احوال عالم عبرت بگیرید، اینان چه  
نزد آمد، آزموده را آزمودن خفاست، هر کجا  
رفته اند عرض و ناموس براد شد و حلقی را  
که بحر برش خیلی دلگداز است، خوب بدانید  
*یاک غلط قدم آدم را بقعر مذات می اندازد  
بعد بر آمد نمی شود و مسافت چند منزل است  
را بمنزل مقصود میرساند که معراج کمال انسانی*

هرگاه سلامتی آیندگان میخواهد باید که از احوال عالم باخبر باشید، و اصل مفهوم از تعلیم همین است که انسان از ضروریات زمان ناشناس نباشد. در مسئله تعلیم باید که فرو گذاشت ننگینده، ملک آن آباد باد. امید بخداست که زاپون دیگر گردد. زمان امن را غنیمت بدانید و فکر خود تصور کنید که این همه آرام و انتظامها که داشته اید از کجا آمده. و این همه لایق برقرار ماندن است بانه، گر هوا خواه وطن هستید باید که هیچ نقطه بفرص اصلاح فرو نگذارید، هرگاه امید اشتاعت رسول دارید باید که برای ملک و ملت حضرت خیرالمشر بکوشید و این بدون اتفاق بین ملت، دولت نمیست. زنده باد امارت و پینده باد دولت

چون دیگرگت بدان دردیوات گذر قد

بعد از ادا خدمت و عرض دعا بگو

ای شه تاجدار راحت قلب و شادمان ما روان ما و هزاران همچو ما فدای تو باد چشم و چراغ عالم هستی، از دور فسادگان به بندگت ایوانت دنیا دولت فراوان برسد. فدای خاک پایت شویم و گردون ایوانت بیوسیم. دولت و اقبال پاننده باد و مرحمت عالی بر ما زیاد بگردد، همه دارم که سر و پا ندارد

چون حضورت رسم قصه آغاز کنم

ور عجان رسم ناله و فریاد کنم

حالا از شیرین کلام سندی ختم میبایم

شنیده که در وقت نوح روان

هر روز چنان گنت نوش بروان

که خضر نگهدار و درویش باش

به در بند آسایش خویش باش

نیاید اندر دیر تو کس

تو آسایش خویش خواهی و بس

نیاید به نزدیک دان بسند

شبان خفته و گرگ در گوسند

رو پاس درویش محتاج دار

که شاه از رعیت بود تاجدار

کرمان

چون مدت وقت است تردد بست بجهت آمدن بارو و عرب باضراف کرمان موقوف شده اخبارات هر توقیف است، لذا آنچه عرض می شود از

خطوط تجارتنی و افواهاست است، از فارس و حکومت و سبب هجوم سارقین بهارلو و عرب معلوم نیست. آنچه خود اهالی فارس میگویند این است که چون در اول مشروحه رؤسای ایلات و بزرگان فارس عمداً ایلات را تحریک بنسارت و دزدی و تاراج و چپاول و بهیم زدند امنیت ملک و ادارات و عدلیه می نمودند امروز دیگر از قوه خود آنها نیز جلوگیری خارج است. اگر چه مقصود آنها که عدم پیشرفت مشروطه و عدالت باشد عمل آمده لکن ایلات که در مدت پنج سال از دروازه مشهد مقدس تا طهران و زرد و کاشان و خود فارس و داراب و سبعمه و لار و بیریز را تاراج کرده تمام آنها دارای دولت و اسب و شتر و گوسفند و نعلک و پنج تیر و ده تیر و پراق ضلا و نقره گشته امروز که رؤسای فارس میخواهند جلوگیری نمایند با مالیات از آنها بگیرند ممکن نیست. بلکه مالیات تمام داراب و سایر بلوکات فارس را نیز گرفته میجویند، تمام اضراف یزد و بلوکات مغرب و شمال کرمان را بحوی غارت کرده که هستی برای احدی از رعیت بچاره باقی نگذاشته. در چند خانه یک ظرف مس و کیم کهنه و آسیاب دستی سنگی باقی نمانده است. از ترس ناموس خود از زندگی خویش بیزارند. معلوم نیست این رجال دولت که ضامن جان و مال و ناموس این رعیت بچاره میباشند آیا این شرایط را افسانه می بنمایند؟

امیر اعظم یا امیر منجم یا جلال الدوله یاد دیگری برای رعیت چه فرق دارد. رعیت که با این همه تاراج سارقین دارد مالیات میدهد عوارضات میدهد جریمه میدهد آیا نباید شب خواب راحتی داشته باشد بر فرض عزل امیر اعظم واجب فوری بود، آیا ممکن نه بود تا ورود امیر منجم در کرمان توقف نموده ایشان را با دو هزار سوار و پیاده و سرباز و تنگچی که زحمت مهیا کرده بود با چند عراده توپ مأمور بجلوگیری سارقین فارس نموده مأمور بشهر بایک و قلع و قمع ریشه فرج الله خان پسر موسی خان نمایند که هر روز جمعیت عرب را مأمور بتاراج رفسنجان و راه یزد نمایند. آیا شوخی می بنمایند بعد از رفتن امیر اعظم تا کنون که میگویند امیر منجم به یزد وارد شده قریب



يك كرور شتر و گاو و الاغ و گوسفند و اسباب رعیت را تا پشت دروازه کرمان سارقین غارت کرده بعضی سارقین بومی نیز گوسفندی که بجهة فروش شهر می آمده بودند، و تازه از بهرام آباد اخبار رسیده که فرج الله خان دو هزار جمعیت عرب و غیره مأمور تاراج بهرام آباد رفسنجان نموده است. در صورتیکه امیر منجم فرمانهای کرمان در یزد در هفت منزلی رفسنجان تشریف دارد.

آنچه حضرات فارسی میگویند این است که دیگر امنیت

فارس از قوه ایرانی و وزیرای ایران و بزرگان فارس خارج است. اهالی کرمان نیز در بلوکت از شدت فقر و قاقه و قوه اینکه تقاضای خریدند دفاع نمایند. در این صورت معلوم نیست وزیرای ایران چه قسم سلاج برای امنیت فارس و تنبیه کرگان آدمی صورت و عقور وحشی این ایالت فرموده اند؟ دولت انگلیس اگر چه با مال خود که قبول معاهده با روس باشد نایل شده ولی سوق لشکر یا نبودن راه آهن با این حدود نخواهد نمود. و عقول روزمه محس جناب سرادوردگری وزیر خارجه انگلیس تمام ایران را لایق استخوان پدانش سر باز انگلیس نمیداند. بزرگان و ملاهای ما نیز بالکل از اوضاع عام و خارجه و داخله و سیاسی و استقلال و عدم استقلال و ذهاب و من بلکه دین بی خبر محض بلکه نمیخواهند با خبر باشند. زیرا که اخبارات را سبب بیداری خرهاى بار کیش و مرده مرده میدانند. همین خوشحال هستند که با مال خود نایل شده عموم ملت از مشروطه نفرت کرده تخمی که محمد علی میرزا و معاونین آن برای برپایی مشروطه کاشته و ایلات و اشترار را در تمام ایران محرك شده که امنیت مملکت را بهم زنند تا ملت راضی باستبداد قدیم شده راضی گردند که تمام جن و مان خود را باختیار دولتیان و رؤسای معلوم الحال ملت داده ساها در تبه جبرالت به بار کیش مشغول باشند و برای بار کیش خارجه نیز متناد شوند. بنام رجال دانش پژوه مملکت شش هزار ساله ایران که دعوی تمدن فطاری دارند و هر فرد فرد آنها خود را از ارسطو و بوذرجمهر و اسکندر و نوشیروان بالاتر و برتر میدانند بلکه پیامبر عصر خود را می شناسند و بهرام گور باید غاشبه آنها را بدوش

افتخار خود کشیده. ماشاء الله چشم بد دور تمام دست بهم داده وطن شش هزار ساله خود را به باد دادند

الحق بر عقل و دانش این عقلا و فضلا و علما نمایان باید گریست که بالای منبر رفته از مشروطه که حیات و نجات دهن و دین ما بسته بآن میباشد مذمت نموده و بر مشروطه خواهان دهن زرد و تو بیخ نمایند که ما گنتیم مشروطه در ایران ممکن نیست ایلات زیاد است پیشرفت ندارد. امثال متناد ساله و دو بیایان آدمی صورت نیز نباید کرده بگویند و امواه آقا چه خوب معجزه کرد. آیا اگر شخصی جمعی اولاد داشته باشد و آنها جاهل باشند باید بگوید اینها را نباید تربیت کرد که دارای جهل هستند. مملکت شما سی زور جمعیت دارد. مملکت هندوستان سی صد کشور دولت انگلیس با علم و تدبیر مانند موم آنها را در بد قدرت و استقلالی خود در قوه با وجه دیده مایل نیست ترقی نماید و از احتیاج خود را نجات دهند باز امروز چشم آنها باز شده حقوق آزادی و مساوات را از دولت خود میخواهند ساحت همه قسم کارخانهجات شده و حال آنکه فقرای هندوستان هزار درجه از ایران زیاد تر است چون تحصیل علم کردند چشم آنها باز شده. مریبان ما بگویند لازم نیست شما فیزیک بخواید عن رتبه انوار و تریب حدب و هندسه و مساحت یاد بگیرید. بد همیشه همین معلومات ما قناعت نماید. فرسکی هم جز بجهة شما ساخته می آورد قنده جی. نفت. شکر. سرزن لباس. ماهوت. تمام لوازم زندگی شما را از کاش و عماله و کزن و کاند قرآن ساخته آماده آنها شما خواهد آورد. شما باید سوای فعلیهی درجه دیارکاری نکنید. منبها اگر از رحمت کار کردن فقهایی و دلالی اروپایی ده شاهی پیدا برید. سعی هم ما بدهید تا ایران نشه فارغ شوید. لازم نیست نیمی. فیزیک. جغرافیا. طب. تحصیل نمایند. باید از ایشان سؤال کرد اینکه تا کپی که حضرت حتمی مرتبت و سایر انبیا سلف و انکه اظار در باب تحصیل علم فرموده اند برای چیست. و کدام است که در چین اگر باشد باید طلب کرد. بهر حال این عرایض نیز پیورده است. بهراغرام

کردن و باد را سوهان زدن است. بمقرب این ریاست های موقف تمام شده اختال خود سال و زنهای بر نیز همه این مضال را خواهند فهمید. فقط موقوف رسیدن راه آهن ایران است. ما نمیگویم اهالی وطن ما استبداد خواه جاهل است. الحق مشروطه خواهان نیز خیلی کم بجاده اعتدال سیر می نمایند (لا افراط ولا تفریط) کسانی نیز که معنی مشروطه را آزادی مطلق و بی افساری محض میدانند هزار درجه از خیرهای استبداد خو پست تر میباشند. اغراض را ترك نباید اتفاق کنید وطن را نجات دهید. معدودی از محبان وطن و صاحبان دیانت که از هجوم این دو سیل دخر جنوب و شمال واقف بودند و میدانستند که علاج و جلوگیری موقوف به ترقی مملکت و اشاعه علم و رفع احتیاج از اجاب است و این هم ممکن نیست الا بمشروطه شدن مملکت که عقلائی ملت از رجال خائن وطن فروش جلو گری و نگذارند مائیات ملت را صرف هوا و لعب و عیاشی در خارجه نمایند. خود ملت ترقی کرده راه آهن ایجاد نمایند کارخانه جات بسازند قشون خوب و تفنگ در خود مملکت بسازند ترتیب نمایند. مراتب را بحجج اسلام تثبیت نیز عرض و اظهار نموده چون واقف بر موافق عصر بودند حکم بوجوب او فرموده لکن افسوس که رجال ایران بقدری اغراض بکار برد که ایران را به باد دادند. يك جماعت درندگان گرسنه و ایلات و حتی تروت سد ساله ملت را غارت کرده هنوز هم دست نمی کشند مگر آنکه حالا دیگر قوه قهاریه خارجه آنها را ادب نماید سلحه آنها را گرفته بیل و داس با آنها داده مشغول رعیتی کردند یا بلای آسمان آنها را تمام نماید

➤ ایضا ➤

این اوقات جمعی سوار به سوارو یا شتی معلوم نیست از چه دانه اراذل فارس است که بحدود به تحریک رؤساء نا جوان مرد فارس در و قسنجان بلکه تا باغین شش فرسخی شهر آمده آنچه شتر و گوسفند و امواص مردم را دیده بتساراج برده هر وقت مقصودی در فارس دارند حکومت را نمی خواهند یا اغراض دیگر دارند که ذکر آنها جائز نیست. این حشرات الارض را بخاك کرمان و بزد

روانه میبایند، عجالتا بالکل راهها مسدود است. معدودی بجایچی هم در کرمان است چون حقوق درستی با آنها نمیدهند مسلم است دلگرمی ندارند علاوه حرکت آنها بیشتر اسباب زحمت اهالی دهات است. امیر متخیم تلگراف اطمینان بختی فرموده لکن تا نوشدارو از عراق آید مار کزیده مرده باید. تا ورود ایالت جلیله سارقین دیگر هستی بجهت اهالی نمیگذارند. جماعت تجار زردشتی نزد پیشکار مالیه جدید که از جانب بلجیکها با چند نفر احزا وارد شده از عدم امنیت طریق و نکت تجارت شکایت برده. گویا جواب داده است شما تجار شهر را نیز با خود همدست کرده تلگرافی مفصل مبنی بر نظم و تشکی و غیره بوزارت داخله عرض کرده و چند نسخه نیز تقدیم قونسول های روس و انگلیس نموده یکی بکار گذاری داده یکی نیز بمن بدهید و استدعا نماید که حقوق سوار و سربازی که برای امنیت مهین میشود به نظارت من باشد. در صورت تجویز دولت. من اشخاص کار آمد را بجهت امنیت راهها حقوق داده نمیگذارم حقوق آنها را دیگران بخورند و تعهد امنیت را میکنم. چون بشرار اطلاع مرکز ماهی هیجده هزار تومان از بابت حقوق قشون کرمان امیر متخیم فرمانفرمای کرمان قرارداد شده به پردازند و ایالت جلیله ۲۶ شهبان از ارضنشان حرکت فرموده امید است که امنیت نامه در کایه خاك کرمان برقرار گردد

عجالتا که بختر سوار لشی در هشت فرسخی شهر قافله و شر زیادی را برده معدودی سوار بجایچی نیز تمام آنها رفته هنوز خبری نرسیده امیر اعظم قریب یک هزار بانصد نفر سرباز بی و تفنگچی راوری و غیره جمع آوری فرموده حیره و مواجب مختصری هم با آنها داده پس از حرکت و منزولی ایشان همه متفرق شده بخانههای خود رفته. البته امیر متخیم خادام که در زمان تشریف داشته باشند امنیت خواهند داد. هر وقت از کرمان تشریف بردند امنیت هم در رکاب ایشان خواهد رفت این سرباز و سوار بومی هم که در وقت لزوم حقوق داده دیگر موقوف گذرد باز بجهت است فقط اسمی است بی سعی که هر چند وقت یکدفعه مثل ..... اخراج نموده تدارك بگیرند. مگر اینکه

بگویم چون مملکت و وزوال است باید همین معائب  
ناگوار مبتلا باشم. و متوجه بحکومت خارجه از  
تعدیات عال داخله راضی شده تا مادر و من نفس  
باز پسین خود را بکشد

باری از پس این جور مطالب گتیه و نوشته شده  
و اثر نه بخشیده جزو مهملات است، مملکتی که حس  
حلی حب وطنی و غیره در آنها مرده، زنده اند ولی  
مرده مرده اند ولی زنده، ذکر عیوبات چه حاصل دارد،  
لاکن باز تمام راجع بر بزرگان و متنفذین است و  
الاعامة ملت هنوز بدیانت و غیرت اسلامی باقی میباشد  
در مشهد مقدس و رؤسای خراسان، ملاها،  
ایالت توایت. اسباب توهین آستانه متبرکه حضرت نامن  
الانهارا فراهم می آورند لکن این اوقات قریب يك  
هرار و یانصد نفر زن و مرد از کرمسیرات فارس  
و کرمان با این امداد کافی این بعد مسافت عدم  
امانت راه را سهل انگاشته زیارت آستانه حضرت امام  
غریب ارواحنا ترینه التدا مشرف شده، لکن  
بزرگان و رؤساء ماه شامزادگان ما، رجل بزرگ ما  
که ساذا از برکت این خاک پاك نعمت برده دارای  
ترب و عزت گشته چه نقاب بزرگ و امتیازات  
دریافته اند همچنان بعض رؤسای روح که اندکی از  
الو هیبت و بیوت مقام خود را دست تر می دانند آیا  
چه طور راضی خواهند شد که از سی ایشان  
و من آنها را احب تصرف نمایند قبول مرحوم  
طالب اف رحمت الله در مقام جواب و سؤال  
با احمد موهوم مینرماید، اگر ملل دیگر بوطن ما  
بتازند عدالت ما را بر اندازد و به میل خود  
از تو بیازند حقوق ما را سلب کنند، سلطنت  
شش هزار ساله ما را منقرض نمایند، نباید مال و جان  
و اولاد خود ثابت را بدر استقلال و من یعنی  
حفظ حقوق و وجود خود بنهیم، یا آنکه بقول  
شما و امثال بی نصب شما، سر فرود آوریم، مغلوب  
شویم، و منتظر مرحمت غالیین بنشینیم و در رؤس  
منابر به آنها دعا کنیم و مثل ارواحنه و یهود مادام  
الدهر اختلاف ما زیر بیرق بیگانه و دین اجنبی  
از يك گوشه برآند و بگوشه دیگر و مملکت  
دیگر بناهند بشوند، تا آخر شب در خانه خود  
جبرئت نداشته باشیم بکنار مهران غریب را بدون  
اجازه رئیس پلیس منزل دهیم شهادت ده نفر حجه

الاسلام و درباره یکنفر مسلمانان قبول نکرده  
شهادت يك هندو و گبر و یهود را در عدلیه  
قبول نمایند، چه بیغیرت مردمی اند کسانی که  
منتظر ورود قشون احباب میباشد که بر ناموس  
آنها دست یابد، عمأ قریب جزای کفران است  
وطن را دریابد

✽ اثر خانه میرزای دردی استهبانی ✽  
(مقیم حیدر آباد)

یکی از اهل مدینه ما که البته خود را نابل میداند  
مثل سایرین در خصوص توب نفس رهسپار بروضة  
مظهر امام هشتم مرثیه نوشته در اخباری که از نظر  
فقر گذشت که دو شعر ابتدای آن اینست  
ذیلاً مینگارم -

از انقلاب دهر و ستمهای روزگار  
جاری است خون دیده هر زبان دهر  
ای آسمان جای تو افزون ز چون و چید  
ای چرخ سله خود تو بیرون شد از شمار  
(جواب بنده)

ای آدم از حضای سپهر از چه فکر  
ای آدم از عنای فلك ما از چه زار  
از آدم خود نمودی خود را قریب ریح  
از آدم خود نمودی خود را دلیل و خوار  
ما را شکنت باشد از این قوم لاف زن  
در بزم شیر تو همه رویه به کارزار  
از خود بخود گنبد و شکایت بود زچرخ  
از خود تبه شده گناه باشد ز روزگار  
صد سال بل هزار هزاره بدی نخواست  
ای جن من نگردی هرگز تو هوشیار  
بیکار بد هزاره تو دست و چشم و گوش  
غیر از زبان تو که هزاره بدی نگار  
تا بد دعای عالم و شرع و نبی و آل  
ملك تو بد مصونت ز عنایت کردگار  
این بود اعتقاد تو و خلق ملك تو  
و اکنون بود شکایت از چرخ کجمدار  
قومی که نیست یگدل اگر پیل باشد آن  
ایضا بود زبک پشه لایع نزار  
بر روضه مظهر شه توب بدت خصم  
لیکن ز خود نکرد یکی غیرت آشکار  
غیرت بود چه لاف ز غیرت زدن بحمل  
غیرت بود چه - آنکه بگویند نابکار

روسی چه سگ بود که بایران نهد قدم  
 ز ایرانیان یکی بود از روسیان هزار  
 گستاخی ز بی خردان دیار ما  
 این دل ز روسیان نشد اینگونه آشکار  
 این کار اهل ملک بدو نیست شب در آن  
 روسی بود چه در نظر گرگ پیش خوار  
 قومی که بر امام خود ایشان ستم کند  
 بالله چشم مردمی از وی دگر مدار  
 يك مرد گرچه نیست همه مرد و شیر دل  
 مرد ارچه نیست مرد بود عقل شیرخوار  
 باید زنان بر آمده از خانه بی حجاب  
 بر سر کنند خاک و بگریزند زار زار  
 باید برهنه سر بدر آید و سینه کوب  
 آنانکه خویشین را خوانند دین مدار  
 باید که جان دهند چه مردان و چه زنان  
 ناجار گریه آورد از شرم بر نو مدار  
 لاف و گزاف را بته ای مرد زن صفت  
 در خانه شرم را ز زبان میدهی فرار  
 گشتی در دل ز نفس خود ای موش لافزن  
 بکدر شو این زبان و ده شیر را بر آرز  
 بکدر نمی شویدی و لیکن جو سهل آید  
 يك تن پیاده بی همه همتید خر سوار  
 يك کس گهی نگویید دوغم بود ترش  
 دوغ همه بود جو غصه عذب و خوشگوار  
 لعنت بر این نفاق و بر این نفس خود پرست  
 لعنت بر این شقاق و بر این حرص نابکار  
 این شیر افکنسان که میدان بوند میش  
 کردند عقرب بخجیر گه شکار  
 یعنی که قوم مرده بود نیست جان دور  
 قومی که جانت ندارد نبود به روزگار  
 آنرا که جان بود بود اندر جهان مدام  
 یعنی که ببرد و قوم است بر قرار  
 هر کس خیال میکند این ملک از من است  
 گو بعد من بروید بر جای لاله خر  
 باشد خیال شاه و وزیر و امیر این  
 ملا همین خیال کنند همچنین قصار  
 حب و ضن چه باشد نزدیک زن صفت  
 نموس چیست در نظر مرد دون تبار

داند که مادرش بنشیند جو برده بوش  
 داند که خواهرش بنشیند جو برده دار  
 داند که زن برون نرود هر کار و کسب  
 داند که مردی نخورد در بر همگذار  
 داند که پور او نخورد آب بی لکام  
 داند که دخت او نهد برده بر کنار  
 دین خدا باشد بر بیخ خویش سخت  
 شرع نمی باشد چو کوه استوار  
 این است حال مملکت هند جانت من  
 لیکن نداند آنکه جو تو هست در خار  
 چون ملک میرود ز چه داری بلب گزاف  
 چون مرد نیستی ز چه خود را کنی شمار  
 لیکن شنو که چون رود آن ملک از کنت  
 بر بیایت نهند چو گوشت مهر  
 زهار بر خدات خود تکبیه کم نما  
 بر دوستی دشمن ملک ای ستم شمار  
 این است حب ملک و وطن از کین دون  
 این است مهر آل محمد ز اهل تبار  
 هر خدا نشین به بس چرخه بنده ریس  
 ما و ترا چه کار باین لیل و آن بهار  
 دانم که از نیندی از لاف تا بخشر  
 نموست ارشود بکاف خصم دون دوچار  
 لیکن ازین فقیر شنو این دو جر بیت  
 در پیروی آت بودت کامل اختیار  
 گنند خدا که واعظوا اگر شنیده  
 گر جرعه بود بود این ای بزرگوار  
 هر چند کار رفته زدست و علاج نیست  
 چه دی کس و بلاص خدا شو امیدوار  
 بکدر شویدی و حفظ نماید ملک خویش  
 بالله رنج بیند آخر ازین شمار  
 دانی که هر چه هست بود از سپهر دون  
 بر فکر و سعی و جهد نباشد مدار کار  
 صد سال پیشتر اگر عقل و هوش بود  
 امروز می نگشتی انسان ذلیل و خوار  
 جمی روان شدند که بیند کعبه را  
 باز آمدند لیک هایت اسر و خوار  
 يك روا بود ز این همه يك ذره عقل و هوش  
 معلوم شد که جمله بنام اند نامدار

از یکدیگر بر آید موی از میان سنک  
از یکدیگر بر آید گل از میان خار  
آن یکدیگر که باشد حب وطن دور  
آن یکدیگر که باشد بهر دیار و یار  
غیرت اگر بود بود از مرگ سخت تر  
جانان کس نشسته و غیرت در کنار  
این حال را بداند آنکس دو چشم هست  
بی چشم کس نبیند اوضاع روزگار  
روی بافاق شود کارها درست  
این قول بنده نیست بود قول کردگار  
من گر چه میخروشم بیکاه ام کنون  
نیک و بد جهان نبود مرا بکار  
لیکن دواستخوان بودم حب ملک خویش  
در گور هم نیابد باقیه دلم قرار  
من میروم خدای بود حافظ شما  
این را ازین غلام بدارید یادگار  
یارب بحق آل محمد که درد را  
چون قلب آینه است و را حاجت بر آر  
اسماعیل دردی اصفهانی (دکن)  
✽ اخبارات مهمه ✽

مخبر روتر از پکن خبر میدهد که وزیر مالیه  
چین قرضه را که دولتش گاه بشرايط مخصوصه  
پیش نموده بودند منظور نموده چه در شرايط  
دمه داری دول و نگرانی آفت را بر چین  
مسلم میداشت ولو اینکه دولت چین آزاد بود که  
در آینده هم هرگونه استقراری از مرجا نخواهد نماید  
سر آن عملن به جانب هنگکنگ رهسپار که  
جکونگی ضمانت بنادریکه بر ذبق عهد نامه است  
اطلاعات کافی بدهد

داکتر مورین مشیر بلژیکی دولت چین از لندن  
بصرف پاریس رهسپار آمده از آنجا به برلین رفته  
۸ اکتوبر وارد پکن خواهد گردید

داکتر مورین به وقایع نگار روتر اظهار  
نموده با اینکه حب وطنی قلوب لشکریان چین را  
مسخر داشته هیچگونه توایید عداوت خارجیان در  
آنها پیدا نشده و انکار نموده است که  
در چین قرضه دول شکانه را هیچ مربوط به مخالفت  
چینیان با خارجه نیست ، چینیان فقط این نکته  
در قلبشان جی گیر گردیده که چین کلاً برخاک آبی

خود مالک ماند . دول خارجه که تکلیف نموده اند  
بچین که جز از بنگهایکه امتیاز دارد از جای دیگر  
قرض نکنند مسلم است تولید یک گونه بی اعتمادی  
در چینیان نسبت به خارجیان میکند ، و اگر دول  
اروپا قرضه دول شکانه را زور بدهند مسلماً یک  
و خامت شدید پیدا خواهد نمود . دولت چین مدعی  
است بر اینکه مواعید را که در موقع انقلاب بدول  
داده بود ایفا نموده و در زمان پیش آمد مشکلات  
با منتهای لیاقت پیشرفت کرده . در حقیقت باید همه  
گونه تشویق بدولت چین داد نه اینکه در به اول ترقی  
جلوگیری از وی نمایند .

دو کتر موصوف با فوت بیان اظهار میدارد که  
تعبیر راه های آهن در چین اشد ضرورت را  
دارد ، پیش از همه ضرورت متصل ساحل سونجات  
( برما و یون ) است . عقیده او این است که  
که در هر نقطه چین راه آهن خیلی نافع خواهد  
گردید چه مملکت چین آباد و زرخیز است

مخبر روتر از شنکائی خبر میدهد که میجر  
( بربریا ) اناشه سابق وزارت دولت انگلیس مقیم  
پکن وارد ( پین فو ) گردید ، مشرک الیه از پکن  
به ( اوسنک کاشفر و چنکتو ) مسافرت نموده است .  
بر حسب بیان وی زراعت چین بسیار خوب شده  
اهالی کاکلی های خود را قطع میکنند و ساعت  
بساعت اعتماد شای بدولت خویش زیاد میگردد  
ولی هنوز هم در بعضی نواح قطع الطریق جزئی است  
قولیل انگلیس بواسطه سوزاندن سنادیق  
ترباک هند در ( نانگنگ ) اقدامات سخت در ۱۶  
ماه ستمبر نموده است و مصر است بر اینکه بر  
عهد نامه سال ۱۸۱۱ دولت چین باید پای بند ماند  
بر حسب خبریکه از بندر ( هارن ) به پتربسبرگ  
رسیده قشون چین در ( منگوا یا ) مرتکب ظلم و  
ستم می شوند و چنان گفته می شود که هزاران  
نفوس را بقتل رسانیده و زنها و بچه های بیگناه  
را قطعه قطعه کرده و بسیاری از خانقاه ها را  
آتش زده اند

در اهالی لندن صرافات انگلستان این مسئله  
خیلی موضوع بحث است که بطریق انصاف یا غیر  
انصاف چین را مجبور نمایند بقرضه دول شکانه  
اخبار ( اسیکتیر ) در این موضوع بحث نموده

قروض متفرقه چین که ده ملیون است پیش نموده که در عرصه چند ماه باید از وجوه استقراضی جدید ادا شود

اسامی بانک های که قرضه جدید را بچین داده اند ازین قرار است. سوئید بانک ، لندن و جنوبی مغربی بانک ، کپیتل و کادیننس بانک ، جارتود بانک هند و چین

مخبر روتر خبر یافته که دول شش گانه حقوق خودشان را بر حسب معاهده با کسر بموقع اجرا خواهند آورد و عایدی نمک را که بر حسب آن معاهده ضامن ادای حقوق دول است در صرف نمودن بکار های دیگر مانع خواهند آمد ، و متحد انال خطی بدولت چین خواهند فرستاد

سیر انگلیس مقیم پکن ( مانتی کائی ) را نصیحت نموده که غور کرده نگذارد دولت چین اقدامی بر خلاف عهد نامه نکند تا دول شش گانه ویرا جلو گیری کنند

روزنامه ضمن مینویسد که در عوالم صلح جوئی بالاترین بد قسمتی ها آن است که دول شش گانه هر يك علیحدہ درباره چین مسلکی جداگانه اختیار نمایند ، اقدام دولت چین در خصوص قرضه جدید تملو است از خطرات و هیچ بعید نیست که دولت انگلیس در اینخصوص اظهار ناراضی نموده باشد

دولت آنازونی رسماً انکار نموده است که قرضه دول شش گانه را صرف نظر کرده و تبدیل رانی برای وی پیدا شده باشد

از پیش نمودن سیر انگلیس تخمینه قروض متفرقه چین را به ( یانسی کائی ) جوش و خروشی در اهالی چین نمودار گردیده است

در اهالی لندن این مسئله زمزمه انداخته روزنامهجات محلی اقدامات صرافان را در خصوص چین طرفداری می نمایند

دیلی یوز و دیلی کراییکل منباب کارروائی دول درباره چین سخت مینویسند . اخبار دیلی نیوز دول را صراف ژالو صفت مینویسد ، اخبار دیلی کراییکل افسوس ظامری می نماید که دولت انگلیس در این امر بر سائر دول تقدم جسته است مخبر روتر از ( او جنک ) خبر میدهد قشونی که بیروت شهر بوده شبانه بسلوت

مینویسد که دولت انگلیس درمیان دول شش گانه بهترین دوست دولت چین تواند بود و چین را در داخله خودش بهتر از خارجه مدد تواند نمود

اخبار ( ایکا نومست ) مخالف این مقوله سخن رانده مینویسد که بدون جهت دولت انگلیس مبالغه زیادی بچین میریزد و حال آنکه زاید از شش يك نافع خود را در چین حاصل نتواند کرد ، و نیز مینویسد که هیچ بعید نیست که اتحاد دول شش گانه در چین باقی نماند

روز نامه ضمنی که بدواً موبد دعوائی دول شش گانه بر چین بود امروز تسلیم می کند که بسرفت کار در چین به هیئت جامعه دول خیلی مشکلی و مدتی طولانی در کار دارد

مسیو سازانوف وزیر خارجه روس با سرادوردگری روانه ( بلمورل ) گردیدند

روزنامه جات لندن عموماً بر آمدت مسیو سازانوف بلندن عقاید خودشان را ظاهر مبدارند ولی هیچیک نمی توانند عقیده مخصوصی من باب ایشان بیان کنند تا وقتی که نتیجه ملاقات بلمورل ظاهر گردد. چه بلمورل امروزه مرکز پلتیک دنیا شناخته آمده

مسیو سازانوف در لندن با شیر عثمانی و سرویا و بلغار هم ملاقی آمد

جیراند فرانسه در خصوص مسیو سازانوف و ملاقات بلمورل رأی زده مینویسند که نتیجه این ملاقات استحکام اتفاق ثلاثه روس - انگلیس و فرانس است

مسیو سازانوف با سرادوردگری امروز عصر در ( بلاتین ) رسیده و با اوتوموبیل مخصوص شاهانه روانه ( بلمورل ) شدند

پنج ملیون قرضه چین که با یکی از بانک های انگلستان تصبیه شده به حق السمی صدی نیم در عرصه چند ساعت معترف گردید

وقتی که وزارت خارجه انگلستان استماع نمود که تدارک قرضه برای چین می شود قرض دهندگان را متنبه ساخت که این اقدام مخالفت با دولت است و ازین رو شکایت بدولت چین خواهد برد

مخبر روتر از پکن خبر میدهد که ( سرجان جاردن ) سیر انگلیس به ( مانتی کائی ) تخمینه برای

نموده و حمله بر شهر آوردند، قشون ساخلوی شهر مدافعه نموده آنها را عقت نشاید و باغیان را تعاقب کردند - فرض اصلی باغیسات غارت شهر بود

بغاوت ( اوچنگ ) از این قرار بوده که بدوا ۳۰۰۰ سواران شروع بمخالفت کرده و چنین سازش شده بود که عمده جات توپخانه هم با آنها معیبت خواهند نمود، ولی شرکت با باغیان نکردند قبل از وقت به جنزل ( جیمن ) چینی خبر رسیده دروازه شهر را گشاده و بجهانفر باغیسات را ورود بشهر داده و فوراً بقتل رسانید، بعد از آن قشون فرستاده دوستان نفر دیگر را گرفتار و قام را مقتول ساخت، بقیه فرار کردند فعلاً امنیت قائم است

تاریخ ۲۵ ستمبر از توپخانه خبر رسیده که طوفان شدیدی آمده شهر را ویران نموده است. متصلاً حالات معلوم نشده، این طوفان به وسط و جنوبی مملکت خیلی صدمه وارد آورده است

برخلاف اقدامات حکومت و مخالفت سائر دول اعلان بقیه ۵ ملیون قرضه چین امروز عصر اشاعه یافت، قیمت در صدی ربع زاید شده فردا باز و بوم شبیه مسدود خواهد گردید جماعت زیادی در خارج بانکها برای اطلاع بر چگونگی قرضه چین منتظر بودند

( مسز کرسپ ) که انتظام این قرضه را نموده با وقایع نگار روز ملاق آمده - مشاعر الیه بر مبادی وزارت خارجه بحث نموده که بوی گشته شده بود اقدام در این امر یکدفعه ناگهیبی است - مشاعر الیه جواب داده که باید رسماً بمن امر شود که از انتظام این قرضه دست بردار گردم چه این مسئله متضمن مصالح ملکی است، چون چنین خطی برای او نرسیده وزارت خارجه را متنبیه ساخت که بر حسب قرار داد خود با چین آنگاه قرضه آغاز می نماید

دولت آنازونی اجازه داده است که ۱۲۰۰ نفر قشون مکسیکو که از سرحد امریکا عبور نموده تعاقب نماید مخالفین حکومت را

اعلیحضرت امیراطور آلمان حرکت از سوید بنظر برلن فرمود، قبل از حرکتشان در چین نوشیدن

جام صحت رئیس جمهوری اظهار داشت که بنای اتحاد و روابط تجاری آلمان و سوید موثر منافع عظیمه است نطق رئیس جمهوری مبنی بر تشکر امیراطوری بوده که خیلی دلچسپی دارند از انتظامات قشونی سوید و نیز بیایست نمود که سوید مجبور است بمدافعه آزادی خویش که بالاترین نروت برای اوست ازین رو این انتظامات قشونی برای حالات خارجی کمال اهمیت را دارد

امیراطور آلمان در جواب رئیس جمهوری سوید پس از اظهار سرت فرمود که خوشوقت اند از اتحاد با سوید و امید نمودند که این رابطه دوستانه را همرد برقرار خواهند گذارد

اعلیحضرت امیراطور آلمان وارد ( برنی ) شده و ملاقات منصلی با رئیس جمهوری فرمود

یک از جهازات خواص امریکا ۲۸۳ فیت در زبر آب سیر نموده و این یکی از آثار جدید بحری بشمار است ( سه فیت یک ذرع است )

دسته از فوج نمبر ۲۶ نجابی بناسبت انتشارات کثان بدان صوب گسیل شده اند

دولت آنازونی حکومت جمهوری مکسیکو را اعلام نموده که برای محافظه امریکائیان در شمال مکسیکو لازم شده است قشونی فرستاده شود - زیرا که دسته از باغیان مکسیکو از سرحد گذشته مقابله با قشون آنازونی نموده بدون گاهیبی منتشر گردیده اند - حصه از قشون آنازونی از ( اریزونا ) ساعی اند که جلوگیری نمایند باغیان که برای مقابله حکومت مکسیکو مستعد شده اند - از باغیان بخاطر مقتول و یک نفر مجروح شده ولی به امریکائیان نصیب ورود نیامده است

امیراطور آلمان تلگرافاً اظهار تشکر از رئیس جمهوری سوید از پذیرا شدن های سیبانه شان نموده و یاد آوری از ایام خوشیکه از ملاحظه قشون نموده و نیز ترقیات سوید و مهان نوازی اهالی آن را تذکره و تشکر فرموده اند

رئیس جمهوری آنازونی سریناً حکم نموده که مجدداً دو فوج سواره به سرحد مکسیکو فرستاده شود و نیز به زخایر قشونی حکم رفته که تفنگ و سایر لوازم با امریکائیات مکسیکو فرستند رسماً تحقیق رفته که مداخلت دولت آنازونی

در مکسیکو موفق و رئیس جمهوری مسز قنت تا وقتیکه از طرف مجلس ملی اقتدار و اجازه نیابد اقدام نخواهد نمود. اوضاع جنوبی مکسیکو خیلی درهم و برهم است و ممکن است که فرود آمدن قشوت آنازونی که رفع این خوف و غائلات را بنماید

بر حسب خبریکه از شنکائ به دلی نیوز لندن رسیده ۲۹ شهر اگست طوفان سختی در رودخانه ( ونچو ) شده آب طغیان کرده شهر ( سن سنک ) یک دفعه غرق و چنان بیان میشود که ده هزار نفر در ( کونیو ) مفروق آمده اند و همین قسم شهرهای کوچک در نواح ( جوجو ) بآب رفته است و بر حسب تخمینه که دوات چین نموده تلفات این بلای مبرم ۳۰۰۰۰ نفر بقم آمده است از دانشنگین خیر رسیده که بوزاز ( بناما ) برای عبور و مرور جهازات در خزان سال جاری باز خواهد گردید

بر حسب خبریکه سنیر آنازونی داده فرقه ( رباتو ) که بیرق مخالفت حکومت مکسیکو را بلند کرده ایقان داده که نمیدخواهند از خودشان حکومتی تعیین نمایند بلکه مصمم است که رئیس جمهوری مکسیکو و خانواده او که منتهای شرارت را داراند تنبیه نمایند. رئیس فرقه ( رباتو ) قول داده است در حفظ مال و جان رعایای خارجه

تلفرقات راجع به عثمانی

وزیر خارجه آسریا ضمن نطق خود ورود وزیر خارجه روس را بلندن تبریک گفته اظهار داشته است که این ملاقات مورث تقویت دو هیئت اتحادیه دول شناخته شده است

بجواب نمایندگانی بالکان که دستورالمعمل خواستن نموده بودند بیان کرد که بین دول مشوره می شود که طریق معتدلانه اختیار کرد که مخالف با مقاصد بابعالی نباشد و سبب انتباه ملت عثمانی نتوانند گردید - در آخر نطق با کمال قوت بیان نمود که مسلک آسریا اعتدالی است.

دولتین آسریا و روس امارت بلغار را منته نموده اند که اگر اقدامی برخلاف امنیت نماید ذمه دار شناخته خواهد آمد.

بابعالی حکم نموده که ۲۰ کالسکه قورخانه که در ( اسکوب ) مال سرویا جلو گیری شده بود رها نمایند - و آنچه در سلاویک جلو گیری از قورخانه سرویا شده تا اکنون حکمی بر او صادر نگردید است

بابعالی بواسطه وضع مخدوش سرویا حکمی را که برای رها شدن اسلحه و قورخانه او داده بود منسوخ ساخت

رشید پاشا وزیر معادن عثمانی بطرف ( سویتلند ) رهسپار آمد و چنان ایقان میبرد که با وزیر خارجه ایتالی در ( میلان ) ملاقی آید

بواسطه استعفیای خلیفه ارمنه منباب قتل که کردات از ارمنه نموده اند سبب گردیده که بابعالی با کمال سختی بزای آکراد حکم داده است نتیجه این شد که بردسته از قشوت ترکی آکراد حمله نموده ۱۰ نفر ترکان مقتول و دو مجروح شده اند

هیچمه کالسکه قورخانه عثمانی را سرویا در بلگرید جلو گیری نموده است

روز نامه طمس از صوفیا خبر یافته که وضع بلغار خوقناک بنظر میاید و هرساعت امید میبرد که حکم باجتماع قشون داده شود و چنان معلوم می شود که سرویا پیروی از حکومت بلغار خواهد نمود در محکمه جنگی اقدامات جدی دیده میشود و شروع بخزیداری اسپان شده - سه جزرهای بزرگ برای تلافی بادشاه طلب شده اند

چنان تصور میشود که بین یونان - و سرویا و قرقه مساع و بلغار مساعدت اتحادیه بسته آید

در حلقه سیاسیون بالکان چنان اشاعه یافته که بلغار و سرویا متحداً پیش خواهند نمود به بابعالی خود مختاری و آزادی مقدونیا را - اگر بابعالی جواب تشفی بخشى بآنها ندهد آغاز جنگ خواهد شد

سفیر روس با وزیر خارجه عثمانی تا دیر باز صحبت مینمود و خیلی قوت داده است بر اینکه اصلاحات مقدونیه سریعا بحری شود تا بر قراری امنیت و صلح بین دول سهل گردد

چنان مستفاد میشود که بلغار از سرویا



نجاه هزار اشکر طلب و سرویا قشون ردیف خود را مخفیانه حکم به جمع آوری نموده دسته دسته بسرحمد میفرستند - عقیده اهالی اسلامبول در اوضاع کنونی خوفناک بنظر میرسد ولی سفرا را رأی اینست که از مساعی دول صلح و امنیت بر قرار خواهد ماند

دلی مایل میزاید رخصت قشون ردیف بلغار تا ۱۴ اکتوبر مهال مانده و سواران بطرف سرحد با تبریک و تشویقات ملی رهسپار اند

بابالی در خصوص شلیک برجهاز پست یونان اظهار تاسف نموده و وعده کرده است که پس از تحقیق مجرمین را سزا خواهد بخشود

همچو شهرت یافته که بابالی مانور جنگی (ادریا نوبل) را موقوف فرموده فقط در هر اردوگاه جداگانه مشق بجنگ مصنوعی خواهد نمود ازینرو امید می رود که جوش و خروش بلغاریان کم شود کیسویکه برای رفع تشکیات اهالی (ملیسوری)

البانی قرار بود از طریق دریا برود از راه سرویا و قره طاغ خواهد رفت و این امر خیالات بابالی را درباره ارضاع کنونی بالکان اطمینان میدهد

بطریق نیم رسمی بیان شده که جهازات ایتالی خواستند مانع آیند فرود آوردن قشون عثمانی را در جزیره (ساموس) گروزایر فرانسه ضمانت نمود که ایتالی را هیچگونه حق دخالتی در امور جزیره (ساموس) نیست

بر حسب اخبار اینکه بذریعه یونانیان اشاعه یافته در (اسپرس و ساموس) ترکان ظلم زیادی نموده که منجمله دست تعدی بناموس زمان یونانی باشد

وکالت روتر معلوم نموده است که انسران بحری جهازات جنگی فرانس و انگلیس باغبان (ساموس) را به پنج روز مهلت راضی نموده تا تحقیق در کیفیت واقعات بشود

امپراطور روس پادشاه رومایا را لقب اعزازی فیله مارشلی قشون اعطا فرموده است

بر حسب تلگراف روم اعراب طرابلس بر مقامات قشونی ایتالی حمله برده سه نفر را مقتول و ۱۷ نفر را مجروح ساخته و با نقصان زیاد عقب نشستند روتر خبر میدهد نظر بر اینکه دولت عثمانی امر بجمع و نمایش قشونی در (ادریا نوبل) داده و

موقع و مقام آن قریب سرحدات بلغار را مجبور بجمع آوری قشون کرده است

در سرویا حکم باجتماعات قشونی داده شده بطریق غیر معمول مجلس ملی سرویا (اسکوبیتیه) ۴ اکتوبر منعقد گردید

تلگرافات بلگرید می نمایند که اقدامات جنگی کاملاً نمودار و پلیس مامور با خنای حرکات قشونی گردیده و چنان شهرت دارد که نماینده سرویا از اسلامبول حرکت کرده است

در اسلامبول کن انجام صلح با ایتالی می رود چه رشید پاشا آخرین مجوزات صلح را همراه برده و اگر مجوزات عثمانی منظور نیامد جنگ کاکان قائم خواهد ماند

بر حسب تلگراف (ان) پای تخت حکم بجمع قشون بری و بحری یونان صادر گردیده تا مبادا در این انقلابات عثمانی تقدم بجمعه ویس جوید

از تلگراف اسلامبول ظاهر میشود که بابالی به سرویا فشار آورده بود که مسلک خویش را در انقلاب بالکان ظاهر دارد. طاقت نماینده سرویا در آخرین خط خود نکاشت که در ۲۸ ساعت عثمانی باید قورخانجات سرویا را که ضبط نموده یا رها کند یا عودت بفرانسه دهد. تمام جهازاتیکه دارای برقی یونان و در آبنای عثمانی بوده طلب شده است

وزارت خارجه عثمانی اظهار داشته که هیچگونه ایتیانومی از سرویا و بلغار توام و یا تنها از بلغار بوی نرسیده است

بر حسب تلگراف (ستجی) پای تخت قره داغ نظر به اجتماعات قشونی صوفیا و بلگرید جوش و خروش جنگی در اینجا هم نمایان گردیده و اهالی تقاضا می نمایند که چرا حکم باجتماعات قشونی داده نمی شود عاقبت دولت قره طاغ نیز حکم باجتماعات قشونی داده است

بر حسب تلگراف اسلامبول کاندان قشون عثمانی که از مجلس شورای جنگی بیرون آمد بیان کرد که حکم باجتماعات عسکریه صادر گردیده است دولت آسریا قشون ذخیره را در سرحدات جنوبی و شرقی زیاد می نماید

تلگراف بلگرید پای تخت سرویا خبر میدهد که